



دوشنبه
اردیبهشت
۱۵ رمضان ۱۴۴۰

۳۰

20 May

درس اول: اقسام آب و مصناف

آب به تقسیم می شود به مطلق و مصناف. و آب مصناف به خودی خود پاک است ولی پاک کننده از حدی و قوتی است. و آب مصناف به مجرد برضرد با نجاست نجس می شود و لوازم متعارف بسیار زیاد باشد و لازم است که رنگ یا بو یا مزه نجاست را به خود بگیرد. اگر آب را از بالا به روی نجاست بریزیم آب که در بالا مانده نجس می شود مثل اینکه از پارچه آب روی نجاست ریخته شود آب که در پارچه است پاک و آب که روی نجاست ریخته شود نجس است.

انحمارت در لغت: پاک شدن از آلودگی ها

در اصطلاح مقرر: از پاک کننده ها استفاده کنیم تا پاک شویم به منظور انحمارت با آب و خاک با قصد قربت.

انحمارت از حدی: طهارت باطنی و فوکرش

«فیت» ظاهر است پاک شدن از لباس
همچنین در ذلک

۱- تقسیم آب به مطلق و مصناف پس این تقسیم و عبارات واحدی که به دلیل ندارد بلکه اطلاق لفظ مصناف به لفظ آب مجازی است. پس این تقسیم از باب تقسیم بر چیز بر خودش است و نه غیر.

۲- و اما پاک بودن من نفسه آب مصناف به خاطر قاعده طهارت از موقوفه عمارت باطنی از اباعبره:

۱۳۹۸ لا کُلَّ شَيْءٍ نَظِيفٌ عَنِ تَقْلُمِ أَنْتَ قَوْرٌ فَإِذَا عَلِمْتَ فَقَوْرٌ دَمًا لَمْ

هفته ۱۰ تَقْلُمِ فَلَيْسَ عَلَيْكَ «معنی» همه چیز برابر تو پاک است تا اینکه بدانی روز ملی جمعیت - ولادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (۳ هجری) و روز اکرام

اردیبهشت



MOFIDAN Meat Product Co.



جفاست و مادامی که محبت شدن آن را نداشتی چیزی بر تو نیست.

۲- امامه می شود تا حدی استصعاب طهاره با عرض چهارت اول.

۳- و اما این که آب معاف پاک کشته ارضیت است به مشهورات بین اصحاب و کفایت

می کند بر اموات مطهر بودن آب معاف در عذر شک در مرتفع شدن حدت به وسیله آب

معاف . چنانچه ما مرتفع شدن حدت به وسیله آب معاف اعیان به دلیل در در غایب استصعاب

تجداد حدت بعد از غسل . و آن دلیل معمودات و دلیل بر پاک کشته بودن آب معاف

و مورد دارد و آن دلیل قول خداوند متعال است (لَمْ يَكِدْرَا مَا أَكْفَيْتُمَا مَعِيْرًا طَهْرًا).

معنی به وقتی آب پیدا نکردید با خاک تیمم کنید یعنی با آب معاف غسل و وضو کنید.

۴- و اما این که آب معاف مطهر پاک کشته ارضیت است به دلیل این مورد هم

مشهورات در بین اصحاب و کفایت می کند از جهت فتنه به ارتفاع جفت از

آب معاف بلکه دلیل بر پاک کشته بودن آب معاف داریم من در این بر این محاوره

از ابن عمر (ع) «عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ الْمَسْعُومِ الْأَخْبَارِ وَالْأَخْبَارِ مِنَ الْبَوْلِ وَالْأَخْبَارِ»

معنی به کفایت می کند از غلط پاک کنی با سنگ و من بول را فقط با آب و اگر آن پاک شود.

جواب به در این مورد با منیه کردن این روایت به فرق نداشتن بین بول و غیر آن ثابت

۱۷ را ذکر مولود را . در این روایت فقط بول آورده شده و در این روایت علماء بین بول و غیر

آن تفصیل نداده اند و برای همه نجاسات یک حکم داده اند .

نظر فیض ماسانی در مورد پاک کردن نجاسات به هر چیزی که از بین برنده نجاست باشد پاک کشته از

آن می باشد و لوازم از بین برنده نجاست آب معاف باشد

نظر سید مرتضی و شیخ مفید به ملاک مطهر بودن یک چیز مدتی عنوان فصل Week-21

2019

Week-21

روز اهدای عضو، اهدای زندگی



در هنگام استفاده از آن است و لوازم آب صاف باشد مثلاً اگر با قلاب لباس را بکشند
 و بعد از خاتمه عنوان **سستن** صدق می کند لباس متنجس پاک می گردد و اگر با آب
 شستو این کار را انجام پذیرد به خاطر این که عنوان **سستن** صدق نمی کند بلکه عنوان آلوده
 کردن صدق می کند لباس متنجس پاک نمی شود.

مسند فعل مشهور در دلیل است

۱- استصحاب نجاست بعد از سستن نجاست با آب صاف شک می کنیم که آیا نجاست
 بر طرف شد یا نه در اینجا دلیل بر برطرف شدن نجاست نداریم و لذا با استصحاب نجاست
 و کفر به دعا آن می غاییم.

۲- روایت برید بن معمر که همه فقواری بیان شد آب شامل آب صاف نمی شود پس
 آب صاف قاریت کفیه از بول را ندارد.

۳- و اما آب صاف به مجرد ملاقات با نجاست نجس می گردد و نظیر آن در این باره است
 و برابر ابیات آن می توان از موضوعه سکون از جعفر از پدرش **ع**؛ «اراضا علی وجه سوال
 کردند درباره دلیل که گفته شده در آن حدیثی در حالی که در آن موضوع بود اما فرمودند:
 آبست و اسیرون برید بن گوشت آن را آورده بسوزیند و خورند»

۴- **متن عربی** - **ع** آن علیاً سئل عن قدر طیف و اذا من القدره فاره قال: یهرق صرهما و یصل
 اللحم و یؤمل **ع** از این روایت فهمیده می شود که آب صاف و لوازم زیاد با سدر به مجرد ملاقات
 با نجاست مثل سرش سرده نجس می شود. در اینجا مکان در صوره سینه سرش است می گفت

۱۳۹۸ هـ گوشت نجاست ضمیمه کردن این روایت به فرق تراست بین صیه موسی با سایر نجاست دیگر
 هفته ۱۰
 حالت می شود محرم است
 روز به روز و بهی سازی معصوم - روز بزرگداشت ملا صدرا (صدر المتألهین)

خداوند



۲

پنجشنبه
خرداد

۱۸ رمضان ۱۴۴۰

23 May

4- اما الرأب معناه ارباعه دوى بجاست وحيثه شود ان آب خست منى شود.

الروية لوداز بالا به یا بین، علاقات کنده است با آن آب یا سین هست آبی که در بالا مانده غیر مری شود.

۱- و درین ایام در صورت بر ضرورت با فشار همه آب جنسی نمی شود یا عامه اینک و متی آب با تراخی رفته و شود آن

آب بکریں۔ درآک میں سودا مضر عرفی در این صورت دلیلی مت کہ با غامت یکی دیکری هم جنبی کرد.

۲- و یا این که عرف آن آب بالایی را متناثر از عجات معطرانند و از آن جا که در مورد مسائله کیفیت عجات

۱۱) رأیت فاضل دارنسرہ یہاں ۸ زم است کہ ان اصطلاح فطر عرف قرار دہم۔

-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-♡-

آب خلق راضی آں

آب مطلق قاعدا رفات کثیر رفا هر اوقات فکلی هر باسد و آب مطلق کثیر به ملاقات با غایت

॥॥

عجس غفر نور جز صفاء که تفسیر کند یلم اوصاف سه مانه آن (طعم، ریف، بر)

و مراد از آب کثیر همان آب کرات و به حکم آب کثیر است آب غلیظ که برای این ماده است یا جویست

نقد و آب قند بجز با بنامات محبت مرگ و رضای من که کداحی و غیره شود دیغ از باله به پاسته
 در مقدار آب که اقوال ذکر شده



جمعه

خر داد

۱۹ رمضان ۱۴۴۰

24 May

المستغنى ذلك ١٢

۱۔ الزاب مطلق کسبہ مقرر کرنا ہے بمعینہ ملاقات با عین بحسب خبر خود ہے یا تو ۴

صحیفہ معاویہ بن عمار از امام عسکری (ع) «وہی اک بہ اندازہ کمر ہند» صحیفہ ایک راجستھانی نسخہ (دہلی)

متن عربی: اِذَا كَانَ الْقَدْرُ كَيْفَ يَنْقَسِبُ سُبْحًا ۝ وَاِذَا تَرَىٰ اِلٰهًا مِنْ اَوْصَافِ مَا تَعْبَرُ لَنْ

2019

Week-21

دلیل خاص دارم کہ عیسٰی سے تہرہ

فتح خرمشهر در عیلات بیت المقدس (۱۳۶۱ هـ) و روز مقاومت، ایثار و پیروزی - ضریب خوردن حضرت علی علیه السلام (۴۰ هـ)





شنبه
خرداد

۴

۲۰ رمضان ۱۴۴۰

25 May

۲- واما عین مرگه آب که یکن از علائم سه گانه آن تغییر کند به با توجه به مصحح
عزیز از اما آصادق دق: «فَلَمَّا نَبَّطَ الْمَاءُ عَلَى رَيْحِ الْحَمِيمِ تَنَبَّهْنَا مِنَ الْمَاءِ وَالشَّرِبِ
عَادَ التَّغْيِيرُ الطَّعْمُ فَلَا تَوْضُوءَ لَهُ وَلَا تَشْرِبُ» یعنی به هرگاه آب

بر بوی مسته غالب برد با آن وضو بگیرد آن را بنوشد و لی اگر آب تغییر کرد و مزه اش عوض
شد از آن ننوشد و بنوشد. «واین روایت وارد شده در همه آب هاست پس هرگاه مل آب که هم می شود

نم ۳- آب عین مطلق جاری مل آب چشمه و چاه حکم آب کو را دارد به با توجه به مصحح

محمد بن اسماعیل بن بزیر: به فردی نامد نوشتم و از او صراحت کردم اما آصادق دق: «سُئِلَ عَنْ

امام این عین فرمودند: «بِمَاءِ الْبَيْتِ وَالْمَاءِ الْخَبِيثِ شَرِبْتُ وَلَا أَلَا أَنْ يَتَغَيَّرَ رِيحُهُ أَوْ

طَعْمُهُ فَيُتَخَذُ مِنْهُ عَرَسٌ يَذْهَبُ الرِّيحُ وَيَطْبِقُ طَعْمُهُ لِأَنَّ لَهُ مُعَادَةً» یعنی به

آب چاه زیاد است و بیشتر از آن را نجسته نمی کنند مگر اینکه بوی مزه آن را عوض کند پس

در صورت تغییر مکرر از آن کشیده می شود تا این که بوی نجاست برود و مزه آن خوب شود

زیرا آب چاه ریه را آلوده می کند و اما مطلق شده آب دیکل در سه دار آب که جامه را این که ذکر شد

و علت این آب چاه را و آب ریه دار قیل را خبر آب گردانسته اند عاقله جوشش آن است و

با استفاده از قانون تقیم علت این حکم را به ساید آبهای ریه دار مل آب چشمه هم سرایت دهم

۴- اگر آب مطلق قلیل باشد عین مرگه به معبر ملاقات با نجاست به معبر رات بین ۱۲

و علت آن «روایت صحیفه معاریه می باشد» اگر آب مطلق کثیر به مقدار که باشد به معبر ملاقات

با عین عین نمی شود. در مقابل معبر قول ابن ابی عمیر و یقین فاساسی هر که دارد که

۱۳۹۸ عدم تنجیس آب قلیل در صورت عدم تغییر اوصاف سه گانه آن می باشد

هفته ۱۱

روز دزفول - روز مقاومت و پایداری - شب قدر

لحظه



MOFIDAN Meat Product Co.



یکشنبه

خرداد

۲۱ رمضان ۱۴۴۰

26 May



۵- اگر آب نلیل با حالت فشار از بالا به جاست بر ضرورت غایب آن مقدارش که به جاست بر ضرورت می شود محققاً جنب می شود اما آن مقدارش که در طرف باقی مانده است جنب می شود (مثل آب صاف).

۱- آبی که به جاست بر ضرورت کمرده است و آب باقی مانده در طرف عرفاً دو آب حساب می شود و جنب شدن یکی به باعث جنب شدن دیگری نیست.

۲- عرفاً تا اگر آب باقی مانده در طرف از جاست را نفی پذیرد جنب نیست.

۳- در مورد مقدار حجم آب که استواء مقدور وجود دارد که به دو قول اشاره می کنیم:

۱- آن آبی که هر کدام از ابعاد سه خانه آن یعنی طول و عرض و ارتفاع مساحتی سه وجب باشد و متعین آن این می شود که آب که مساحتی با ۲۷ وجب است.

در حدیث

۲- آبی که هر کدام از ابعاد سه خانه آن مساحتی با ۳۱۵ وجب باشد که اندازه آن می شود $۴۲ \times \frac{۷}{۳}$.

در قول اول - بنابر صحیح اسماعیل بن جابر که مقدار آب که را از ابی عبدالله پرسیدند، اما فرمود:

ثلاثة اشبار من ثلاثة اشبار (سه دوش در سه دوش) بخاطر اتفاق کردن به در بدر هر سه ذر شکر بخاطر مقدار

در این روایت چون رادی و طاقت ندارد و برای این روایت جایگزین دیگری داریم یعنی روایت های دیگری داریم که این مورد را تأیید می کند. پس فقه اول مورد اعتماد است.

۱۷ در قول دوم - روایت از حسن بن صالح الثوری از ابی عبدالله «ثلاثة اشبار ونصف من ثلاثة اشبار ونصف عرضها» (سه دوش و نصف در سه دوش و نصف)

در این فقه و روایت و طاقت رادی مستضعفیت و چون روایات دیگری نداریم که جایگزین این روایت کنیم پس این فقه کذا را می گیریم.

۱۸ فی ثلث و قول اول مورد اعتماد است.

2019

Week-21

شهادت حضرت علی علیه السلام (۴۰ هجری قمری) (تعطیل)





دوشنبه

خرداد

۲۲ رمضان ۱۴۴۰

۶

27 May

آب باران

آب باران باشد آب که جنب نمی شود به مجرد ملاقات با اجاست مادامی که در آن باریدن باشد.
و آب باران هنگامی که جمع شود در یک مکانی که آن مکان قلیل باشد مادامی که باران در
حال باریدن باشد آن آب آب کرامت است.

هنگامی که آب باران اصابت پیدا کند با چیزی که جنب شده یا که می شود بدون اینکه
چیز بارش روی آن را مسدود می به سر می که آن چیز جنب نماید هم جبر و هم نیست آن
عملاً جنبی شود و اگر فقط روی آن جنب شود یا که جنب شود.

روالمستند من ذلك

۱- آب باران جنب نمی گردد به ملاقات با اجاست ← با ترجمه به صحیح، و هشام بن سالم
که از احادیث صادر می کند: «اسی روی است با آلودار کرده و آب باران به آن رسیده
و ناپوشیده است و بر روی لباس ریخته شده است» امام علی (ع) فرمودند: «اشغالی برآورد
زیرا آب باران بیشتر از آلودار است» پس معلوم می گردد آب باران به صرف برخورد با
اجاست جنب نمی شود. متن عربی: «عن السطح بیال علیه فتصیب السماء فلیف
فتصیب الثوب» مقال: لا بأس به ما اصاب من الماء الكر منه».

و اما جنب می شود آب باران وقتی که پیش از ملاقات با آن تبخیر کند ← و دلیل آن اطلاق
صحیح صریح است: «یعنی اگر آب در اثر برخورد با سردار تبخیر کرد آن را شستن و با آن دستگیری
و این مطلب دلالت بر نجاست آب با تبخیر می نماید و آب مطلق است و شامل آب باران هم
۱۳۹۸ می شود.

هفته ۱۱

شب قدر





۷

سه شنبه

خرداد

۲۳ رمضان ۱۴۴۰

28 May

۲- و اما عین شستن آب باران مشروط به نزول است چنانچه این که با قطع شدن

صدق می کند بر آن عنوان آب باران عین شستن می شود برای آن آب حکم آب ملکی.

۳- اما این که ملکی از آب باران قطره قطره می بارد آب باران مثل آب گرمی شود و با

ملاقات با نجاست عین می شود. دلائل این مطلب این است که در ضرورت اراعه باران

صريح می کند که «له ماده» یعنی این آب دارای منبع و ماده است زیرا آب باران و اصل است

۱۱ با توجه به صحیح محمد بن اسماعیل «آب چاه ریاده است و عین آن را نجاست می کند»

۱۲ مثلاً اینکه بر یا مریه آن را نجاست کند عین در ضرورت تخصیص مستقر می آید آن کسبیه می شود تا این که

بر عین شود و مریه آن عین شود زیرا آب چاه ریاده است.

۱۳ عین شامل می شود عین در صحیح محمد بن اسماعیل یعنی آب باران هم چون می بارد و ارام دارد

۱۴ مانند آب چاه است که در خان جوسین است.

مجم ۴- آب باران به صرف بهر ضرورت باشد و متنجس آن را پاک می کند و نیازی به تعدد شستن

۱۵ یا فشار دادن متنجس نیست. این مسأله مشهور است بین علماء و علت آن روایت

۱۶ عبدالله بن عیسیٰ قاضی است از امام صادق (ع) «لَنْ يَكُنْ يَرَاهُ مَاءُ الْمَطَرِ مَقْرُطاً»

عنی هر آب باران به هر چیز که اصابت کند و بهر ضرورت غاید آن چیز پاک می شود.

۱۷ در این روایت چون حرفی از فشار و تعدد شستن به میان نیامده است پس لفظ (یری)

۱۸ را فقط به معنای بهر ضرورت و ملاقات می دانند و فقط بهر ضرورت آب باران با نجاست آن را

پاک می کند و نیازی به فشار و تعدد شستن نیست.

منقول این روایت ضعیف السند است چون آورده شده (از مردی) و بی چون قول مشهور به آن عمل کرده است

2019

Week-22

کبری هر روایت ضعیف السندی که مشهور به آن عمل کرده باشد ضعیف سند می آید

متنوع سند روایت قاضی بهر آن شده است. (تسلیع کبری اجماع)



29 May
۵۵۔ اما ہمارے اس کراک باران پاک کتنے باسند باید ہم سے نصرت ہمارا ان غور و خیر
اکراک باران بہ ہم نصرت ہمارے عیسے عیسے خود نکلے نصرت کران کف کر مل آن عیسے
عیسے پاک شدہ است۔

۴- اما دقتی که می‌کنیم آب باران فقط ظاهرش چیز را پاک می‌کند در زیر اطمینان است که فقط به فلان میزان آن چیز اصابت کرده باشد.

شیراز یا گله کنده بودن آب باران ۴-۱ در حال باریدن باشد ۰ ۲- رف و بر و مزه
آن عوفن شود ۳- اما بک کنده آن چمن خسته ۰

15 - - - - -

درس دوم احصاء غلّی

واجب است بر مسلم در تمام حالات - و بجز آن حالات درختی است - نه عورت ۱۲

خود را بپوشانند از هر بیننده ای که مکلف محض است. غیر از زوج و زوج و آن چه می بیند
که به حکم زوج است. (ماست کشید در زمان قمار نشسته)

والمستشرقين ذلك :

۱۔ وجوب ستر عورت در ہر حال واجب است ﴿﴾ ہذا بر قول خداوند متعال ﴿قُلِ الْمُؤْمِنَاتُ﴾

بعضاً من ابعارهم و بعضاً من ابعارهم ۱۷

دلیل اول - اگر ما حفظوا را کلی بگیریم پس مورد چوستان از نامحرم و بازداشتن از محل منافی عفت
و به جهت ما مربوط است ولی اگر حفظوا را جزئی بگیریم به معنای ظاهر آیه یعنی بازداشتن از محل منافی
۱۳۹۸ عفت است که به جهت ما ربطی ندارد.

هفته ۱۱

دلیل دوم - ضرورت فقه است. باین معنای که از مجموع فقه استفاده می شود که پیشانی عورت واجب است و این مسئله از ضروریات فقه است.





۱- **دلیل سوم** ← با توجه به این دو روایت که ذکر می کنیم و وجوب پوشاندن عورت را اثبات 30 May می کنیم

۱- با توجه به روایت رفعه از امام صادق (ع): **«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَبْلُغَ عَيْنَهَا إِلَى عَيْنِ رَجُلٍ»**

الحمام الا حشر «**معنی**» کسی که ایمان دارد به خدا و... دامن حمام نشود مگر با لنگ

این روایت با فهمیده کردن قطع به «د» حضرت مسیح هم اول است یعنی حمام مثالی است برای سایر موارد که باید تمام ستر عورت کنیم

۲- و با توجه به روایت حریر از امام صادق (ع): **«لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عُرَّةِ امْرِئَةٍ»** معنی

«مرد نباید به عورت برادر مؤمنش نگاه کند» در اینجا عجب ما در مورد پرسش است ولی این

روایت اشاره به نگاه کردن دارد در جوابی که به این اشکال می دهیم این است که بین حرمت

نگاه و لزوم پوشاندن از دید عرف ملازمه وجود دارد یعنی اگر گفته شود نگاه به نامحرم

مهرام است عرف می فهمد نامحرم هم لازم است خود را بپوشاند و اشکال دیگر هم **جواب**

که وارد شده این است که این روایت در مورد نگاه مرد به مرد وارد شده و لزوم پوشش مرد در مقابل

را ثابت می کند نه پوشش عورت زن در مقابل مرد یا مرد در مقابل زن

جمعه

خرداد

۲۶ رمضان ۱۴۴۰

است تا بگویم و ثابت کنیم که پوشش مرد در مقابل زن واجب است. 31 May

۲- پوشاندن عورت از عیب میز به بالا واجب است ← میز در اینجا به کسی می گویند که عورت

کشف صورت زشت بودن کشف عورت را داشته باشد و کشف عورت در نظر او زشت و قبیح باشد

و لو انتم سن لوکم باشد دلیل این مرد این است که ادله ای که برابر وجوب پوشاندن

2019

عورت بیان گردیده همه از غیر میز انصاف دارند همانطور که از مجنون هم Week-22

روز جهانی قدس (آخرین جمعه ماه رمضان) حضرات دارند و وجوب پوشش از مجنون را ثابت می کند





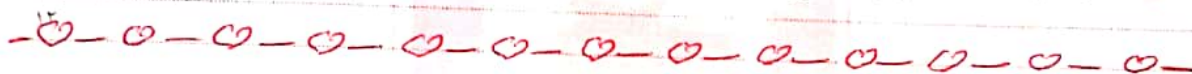
1 June

۳- زن دسوه و دسایه در قلمرو خود
به دلیل قول فراوند تقالی: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»
«مَلَأَتْ إِيْمَانَهُمْ» یعنی: (دسایان که مریخ های شان را حفظ می کنند نیز برای همسران

یا ایها منکر ملک عین آفتاب هستند (لنیزان) (۱)

دلیل اول - همین آیه ای بود که ذکر شده حفظ عورت از فحش و هوس را زانیک

دلیل دوم ← ملازمه و مورد دارد بین مجاوز عمل زنا سوئی و عدم وجوب پوشاندن



اصفا عام خاص علی

۱۶
حقاً آن تخلصی رو به قبله بودن، و نیست به قبله بودن حرام است. و خیزج برد، فقط با آب یا

فی سود قطعا باید ر آب ریختن با آب گرم و دو بار سستن با آب فکلی

۱۵
دوین موضع مناطق علاوه بر آب پاک و سود با هر چیزی که بر طرف کفنده نجاست باشد

آب استنجد (آبی که هنگام اظهار از بدن خارج شود) پاک است با سه شرط !

۱- تفسیر کنید. ۲- همراه آن مجاسته نیاید. ۳- مجاسته به غیر از بول و غائله به آن محدود

والمستند من ذلك :

۱۔ روبرو قبلہ ہر دوں ریت پہ بیکہ ہر دوں ہنسا آ علی مرا مات ہے غامڑ این کہ ہمنہ امصاب

این را قبول دارند مگر بعضی از متأخرین که می گویند مکرره است.

هم در این مسئله تساهل است که بین متقدمین است که می تواند ما شرف از قول به خصوص (دی)

۱۳۹۸ باسر و ۸ اوایات مسئله برور قسم است که هر دروغی که بگوید

هفته ۱۲





2 June

الف) روایاتی مثل روایت هاشمی که از نظر دینی است خوب هستند ولی از نظر

بعض متفہم هستند۔ مثل روایت حاشیہ از پیامبر اکرم (ص) **لا اذا** دخلت المضر فلا تحسن قبیل

الفيلة ولا يسعد بها ولكن سرتموا أو خرتموا « ← معنى ← » هضموا كدافع

سُورَةُ الرَّحْمٰنِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِشَیْءٍ نَّجْوٰی لِّمَنْ هُوَ سَیْرٌ مِّنْ دُوْنِ السُّرُوْرِ وَفِیْهِ اٰیٰتٌ لِّمَنْ یَّهْدٰی وَنَذٰرٌ لِّمَنْ یَّذٰی (۱)

این روایت نشان می دهد که انسان **مستحق** از این **عقوبت** آنحضرت **در** **جمله** با ائمه **یا** **جست** به **عقوبت** و **در**

اسمذس سلسل است .

(ب) وروایاتِ مدلل مرزومہ محمد بن حنیف ہم دیوار صغف سند است و ہم دیوار صغف

د 8 لت. من مرقوم محمد بن حسن: واسئل ابا الحسن (عليه السلام) ما حد القاطن؟

١٢ قال: لا تسبق قبل العبد ولا تستدبرها ولا تسبق قبل الرمح ولا تستدبرها.

॥॥॥

معنی ہے: اے ابوالحسن!، سوال سُن کہ حد و شرط غایت چیست؟ فرمود: : رَبِّ قَبْلَ بِنَامِ

[illegible]

۱۵. معنی دلائل دارد و اشغال این روایت این است که چون میست به بار و در بار بار میزدن

مسئله است و واجب نیست و این روایت باعث می شود که ایضا و فیه و سوا که نیست و در رب مکمل بدین

هم مستقب است و راجب است و کفیم که این روایت دها، منف دلالت است بر این

۷) (در ورود نهی از در به بیگانه بودن و حیثیت به آن بدون درگشا نهی گرا هستی) مکتوب به اراده ادب

اسلامی (کرامت یون مہی) علی باسکر

خطر مصیبت ← ظاهر این خطم حرکت رو به قبله بودن و نیست به قبله بودن، قابل تأمل است

۱۹. بعد از غشای جودن، راه ایستگاه استناد اعمالی که استناد کردند به این روایات

2019

سؤال ← مدرسی از کتاب دست استفاده کرده است × جواب

ک غیر مدرکي ~ ~ ~ نکرده است. ✓ محبت است.





دوشنبه

خرداد

۲۹ رمضان ۱۴۴۰

۱۳

3 June

- ۲- واما پاک شدن موضع بول فقط با آب امضان پذیر است ← به دلیل روایتی از صحیح
- زراره از ابن عباس رضی: «لا تطهارة الا بطهور و یخیزک من الاستبراء ثلاثا اعجاز بولک
- صوت السنة من رسول الله واما البول فیاث لا بد من غسله» یعنی بعد از غازی
- بست مکر با طهارت و برای طهارت مخزج غائط سه سنت برای کفایت می کند سنت پیامبر اکرم (ص)
- براین مطلب جاری شده است واما بول حتما باید با آب شسته شود»
- دلیل اینکه مخزج بول حتما باید با آب پاک شود نه چیز دیگر مثل سنت یا پا رجم دو چیز است:
- ۱- صحیح زراره که سرایت این نکتہ را بیان می کند که مخزج بول حتما باید با آب پاک شود
 - ۲- استصحاب نجاست بعد از پاک کردن مخزج بول با چیزهایی غیر از آب مثل مخلوط یا پا رجم
 - ۱- یقین دارم که موضع بول نجس است ۲- در صورت طهارت با غیر آب شک در طهارت دارم
- استصحاب ← یقین به نجاست نمی آید
- ۳- واما این که طهارت موضع بول با یکبار شستن است ← به دلیل روایتی از صحیح جلیل بن دراج
- از امام صادق (ع) «اذا انقضت درة البول فغسل الخاد» یعنی هر هنگامی که ریزش
- بول قطع شد آب بریز (چون همانا اخلاق رنجته شدن شامل می شود یک بار را)
- ع - اما قول کسانی که می گویند باید موضع بول چند بار شسته شود ← این قول مبین بر استقصا
- وارد کردن در روایت قبلی است واما این روایت در مقام بیان درنا میة چند بار شستن
- نبودند پس رجوع می شود به اصل ۱- یقین دارم موضع بول نجس است ۲- باید یک بار
- شستن شک دارم که موضع بول پاک شد استصحاب ← باید بیست و یک بار شسته شود
- ۵۱۳۹۸- واما پاک شدن مخزج غائط به هر چیزی که از زمین برنده عبات باشد
- هفته ۱۲ امضان پذیر است: بنا بر روایتی از صحیح زراره که در مورد درم بیان شد

خارج





سه شنبه
خرداد
۱۴

۳۰ رمضان ۱۴۴۰

4 June

ولی انکسائی که در این مورد بیان می شود این است که روایت زراره معتمد است
اشاره می کند و حاصل سؤالات دیگر مثل یارب که بجا است را از این می برد یعنی سؤالات
۱- سنن در روایت از باب سؤال است و از این باب ذکر شده است که در دسترس افراد
بوده است و سنن سؤال برابر میزند و دیگر مثل یارب است.

۲- با توجه به مصحح این مغیره که در مورد استنجاء سؤال کرد فرمود «لا یغنی ما شئت»
«معنی» رخصتی ندارد مهم این است که محل پاک شود. پس معلوم می شود که مهم رفع شدن
غیامت است و لازم نیست که قما از آب استفاده شود.

۴- و اما پاک بودن آب استنجاء ← بخاطر مصحح الاصول از ابن عبد الله (ع) که

۱۳ راجع سؤال می کند: «افخرج من الخلاء فاستنجز بالماء عیض فوی فی ذلك الماء النی
استنجیت به» فقال: «لا بأس به» معنی ← (لباس من حیثاً فخرج از بیت الخلاء
۱۴

به آب استنجاء بر ضرر می کند آیا اشکال دارد؟ می فرمایند: اشکالی ندارد.

۱۵ به نصیحه اینکه عرف بین طهارت ملاقات کننده (باس) با طهارت ملاقات کننده (آب استنجاء)
۱۶ ملازم می بیند نصیب می گیریم که آب استنجاء هم پاک می باشد و الا اگر آب نجس بود
لباس هم نجس می شد.

۷- و اما شرط بودن عدم تقصیر آب استنجاء ← بخاطر محوسب آنچه که دلالت می کند

بر آب نجس با تقصیر کردن او مانع است که نجس می شود با توجه به مصحح آب مطلق و اصفاء آن.

۸- و اما شرط می شود که نجاست همراه آب نیاید ← بخاطر این است که دلیل عنوان نجاست

آب استنجاء بر عنوان از نامیه بر ضرر این آب با نجاست دلالت دارد در حالیکه نجاست در جای

2019

Week-23

مدرس باقی مانده نه بیست.

رحلت حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) و رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ هـ ش) - انتخاب حضرت آیت الله امام خامنه ای به رهبری (۱۳۶۸ هـ ش) (تعطیل)





بِسْمِ و سر و با حارا تا برآمدن مسع کنند. **۱** اشغالی که در اینجا دارد می شود این است که

کلمه **ارجلکم** در آیه هم منصوب قرائت شده است و هم مجرور اگر مجرور باشد عطف به **ارئوسکم**

است و مستقر و مجرور نیز از در مسع ثابت می شود ولی اگر منصوب باشد اهل سنت آن را

عطف بر **وجوهکم** می گیرند و به این دلیل مستثنی یا حارا ثابت می کنند. **جواب** ← **جواب**

جواب

که به این احوال می دهیم این است که کلمه **ارجلکم** عطف بر محل **ارئوسکم** است و از آنجا که

محل **ارئوسکم** منصوب بنا بر مفعول به بودن برای **ارامسوا** می باشد و کلمه **ارجلکم** هم منصوب شده

است و در شاهد قلام را اثبات می کند:

الف قطعه آیه این است که کلمه **ارجلکم** عطف به **ارئوسکم** باشد نه **وجوهکم** **جمعه**

۱۷

7 June

زیرا فاعله زیاده بین **ارجلکم** و **وجوهکم** وجود دارد و این خلاف **خرداد**

ظاهر است که با وجود کلمه نزدیک مافیه را به جای دورتر عطف غایب. ۳ شوال ۱۴۴۰

ب صحیح زراعه که در مستند مسأله سوم خواهد آمد دلالت بر ترکیب و نیز از دو غسل و در مسع

می نماید و شاهد خوبی بر عطف **ارجلکم** بر **ارئوسکم** می باشد.

۲ - و اما مستحق شدن حد صورت به هر کسی که باید سسته شود ← با توجه به صحیح زراعه

از امام باقر (ع) ← مدام مطلع کن از صداری که از صورت که سایشه است در روز 2019

سسته شود همان صداری که خداوند فرموده است. پس فرمود: صورتی که خداوند فرموده

Week-23



شنبه

خرداد

۱۸

۴ شوال ۱۴۴۰

8 June

سُسن آن غودهات و ساینه یه کسی بیستر یا کمتر از آن بسوید و اگر بیستر
ست کتابی ندارد و اگر کمتر ست کناه کرده است تا ستم بین انگشت و سست از
جایی که سروریده تا چانه است و آن سترای که دو انگشت منگور دایره وار بر آن کسبه شود
از صورت است و غیر از این مقدار جزء صورت نیست. کنتیم: کناه های کدش جزء صورت
نیست. فرموده: «و سدر شیخ صدوق به زراعه در مسیح صحیح است.»

۳- و اما عدم جواز بر عکس سُسن در دمنو ← اشد دلالت شده از صحیح زراعه: «اما با عترت»
برای صادموی رسول خدا را حفظ کرد پس طرف آبن را خواست و دست راست را داخل
آب غود و مسس آب برداشت و آن را از بالای صورت بر آن روانه ساخت سپس با
دست چپ عالم هر دو طرف صورت را مسح غود سپس دوباره دست چپ را داخل طرف
غود و آب را بر دست راست ریخت و جوانب دست راست را مسح کرد. سپس دست راست را
داخل طرف غود و آب را بر دست چپ ریخت و همان کاری را کرد که بدست راست کرده بود
سپس با طوبی که در دو دست بود سر و رویا پیش را مسح غود و دوباره دست راست را داخل
طرف نکرد. علت اول صحیح زراعه بود.

۲- علت دوم اگر فرض کنیم روایتی هم وجود نداشته باشد مقتضای اصل محلی هم سُسن
از بالا است زیرا در اینها برای خواندن غار تکلیف یقینی به دمنو وجود دارد و معلوم نیست که
صورت باید از بالا مسسه شود یا از پایین هم مجزی است از آنجایی که بر طبق اصل استقلال
استقلال یقینی تراغت یقینی را می طلبد و آن سرخ تکلیف از ما ساقط است که مطمئن شویم
که آن را درست انجام دادیم و این یقین فقط با این حاصل می شود که از بالا به پایین مسسه شود
۱۳۹۸
هفته ۱۳ بست سُسن صورت از پایین به بالا استباه است و صحیح نیست.

خرداد





۱۹

یکشنبه

خرداد

۵ شوال ۱۴۴۰

9 June

۴- و اما وجوب سستن دستها به مقدار معین از آن دفع تا سر انگشتان ← در آیه ذکر شده

۵- و اما عدم جواز سستن دست معا به صورت برعکس (از لگن دست به بالا) ← نزدیک است که

سغار سینه شود و این برخلاف اصل است که سستن از پایین را هم جایز می دانند

۱۱- البته در میان علما و ما به سید مرتضی و ابن ادریس بحث داده شده است که سستن از پایین به

بالا را هم جایز می دانند.

۱۱- معتقد این مسئله برخی از اخبار بیانیه است مثلاً: «لَمْ يَسِرْ لَفَ الْيَسْرِ مَقْرُوفٍ»

۱۲- «يُحَاكِمُهُ حَاضِرٌ عَلَى دِرَاعِهِ الْيَمَنِ عَمَلٌ بِهَا دِرَاسَةٌ مِنَ الْحَرَمِ مِنَ اللَّفِّ لَا يَرْمِيهَا إِلَى الْحَرَمِ»

معنی ← امام ده، دست چپ را زیر آب برد و یک مشت آب برداشت و آن را بر دست راست

۱۳- ریخت و به واسطه آن آب دستش را از آن دفع تا کف دستش مشت و آب را به طرف آن دفع می کردند

۱۴- (از بالا به پایین مشت نه به صورت برعکس) دست معلوم می شود که سستن به صورت عکس جایز نیست.

جواب

۱۵- سؤال ← اشکالی که در اینجا وارد می شود در سرور مانده گفته شده (در المرافق) یعنی دستوارا

به طرف آن دفع می کنید و این نشانگر جواز عمل است.

۱۶- جواب ← (در المرافق) مبارک و مجرب است و نیاز به متعلق دارد و اگر این مبارک و مجرب متعلق

به (ما غلوسا) باشد اشکال وارد است. زیرا حد غسل را بیان می کند ولی این مبارک و مجرب

۱۷- می تواند قید ایدیکم باشد به این ترتیب که بعد از استعمالات متعده می دارد و بر دست تا به

۱۸- بردست تا آن دفع و تا دست اطلاق می شود و آیه برابر اینک می آید قید در المرافق

را آورده که معلوم شود منقطع از آن دست به معنای دست تا آن دفع است و در این صورت

۱۹- دلالت بر لزوم سستن از پایین به بالا ندارد و قید سستن می تواند این که گفته می شود

2019

Week-23

«امسح الجدار إلى السقف» که «إلى السقف» قید جدار است و دلالت بر این





مذکور که قیماً لازم است رنگ آمیزی از پایین به بالا باشد بلکه می توان از بالا به پایین

هم رنگ زد بدینا بهر معده رنگ آمیزی از دیوار فراتر رود.

همانا جابجایی در معده به فعل باشد لازم است دلائل آنکه کرم به برداشتن بودن برعکس

سستن در حالی که هیچ کس قائل به وجوب برعکس سستن نیست.

۴- و اما لازم بودن مقدار کردن دست راست بر دست چپ ← مورد تسالم فقهای باشد.

۲- و محیی مضر بن مازم از امام صادق (ع) : « فَرَضَ الرَّحْلُ شَوْهَةً فَيُفِيدُ بِالْعَمَلِ قَبْلَ الْيَمِينِ »

قال: يغسل اليمين بعينه اليسار. ← معنی ← از حضرت در مورد فوری سؤال کردم

که وضو می گیرد چپ قبل از دست راست از دست چپ شروع می کند. فرمود: باید دست راست را

بشوید و دست چپ را اعاده نماید.

خرداد

این روایت دلیل بر این است که قیماً اول باید دهت راست راست بردست چپ را اما سقارت

بین دو دست را نفر نفر کند پس اگر کسی در وضو از عکس همزمان دو دست را زیر آب ببرد

و بشوید اشکالی ایجاد نمی کند.

۷- و اما لزوم مسح بر جلوی سر ← مورد تسالم فقهای باشد و لودائیک مقتضای اطلاق

آنکه کرم وضو جز مسح بر سرشکل است و در روایت داریم که مسح سر را مقتضی به کشیدن مسح بر

جلوی سر کرده است و آن روایت از محیی محمد بن مسلم از امام صادق (ع) : « مسح الرأس »

على صفة ۱۲ ← معنی ← « مسح سر بر جلوی سر است. »

اشکال ← اشکالی که به این مورد وارد است این است که روایاتی داریم که مسح بر پشت سر را هم

۱۳۹۸ باید دانسته اند. جواب: در بر ضرورت با این روایات می توانیم به دو سؤال هفته ۱۳

روز صایح دینی



۲۱

سه شنبه
خرداد
۷ شوال ۱۴۴۰

11 June

۱- این روایات را عمل بر تعیین نمود زیرا مطابق نظر اهل سنت است و اجماع تعیین آن بعد از مورد دارد

۲- دوری کردن اصحاب از این روایات و هیچ کس به آن عمل نکرده و نتوان داده کسی به این روایات

۸- و اما برای اثبات کفایت مسامی مسع **مورد سر** در دلیل برای این مسئله وجود دارد:

۱- آیه و تفسیر فرموده «و امسحوا برئوسکم» و این **رأس** که یاد تبیین است دلالت می کند که

مسع بعضی سر کفایت می کند و از آنجا که مسع بعضی سر در آیه مطلق است و مقدار این بعضی
بیان شده پس مسامی مسع کفایت می نماید.

۲- روایاتی مثل صحیح زراره و دیگر از امام باقر (ع) که در آن وارد شده «و اذا مسحت برئوسک

من رأسک او برئوسک من قد صلیک ما بین لکفیف الی اطراف الاصابیع فعد اجزاک»

معنی ← «و هنگامیکه مقداری از سر را بر روی مقداری از دوایت در فاصله بین دو برآمدگی روی پا

تا سر انگشتان را مسع غرضی برای کفایت می کند»

از این روایات معلوم می شود که مسع مقداری از سر کفایت می کند هر چند تنها مسامی مسع حاصل شود

۱۵ زیرا روایت بیان کرده که هنگامی که مقداری از سر را مسع غایب کفایت می کند و اطلاق این کلام

شامل مسع به مسامی مسع هم می شود.

۹- و اما اینکه واجب در پاها مسع است نه مسنن ← دلیل ما آیه وضو است. در این آیه

«ارجلکم بر طبق قرائت جر عطف بر لفظ «رئوسکم» است و مطلوب ثابت است و بنابر قرائت

نصب هم عطف بر محل «رئوسکم» است و محل «رئوسکم» بنابر مفعول بودن برای امسحوا

منصوبات است پس معطوف هم منصوب است و مطلوب که موجب مسع پاها است ثابت است.

۹ «ادعای اهل سنت» ← در مقابل اهل سنت اعتقاد دارند که «ارجلکم» بنابر قرائت نصب عطف بر

«و برئوسکم» است و بنابر قرائت جر هم عطف بر همان «و برئوسکم» است منتها به ظاهر Week-24



۸ **جمله صیغ عربی**

مجاورت با «رئوسلم» که مجرور است مصدر شمرده است ها نظیر که در میان **جمله صیغ عربی** مجرور آورده شده است لفظ **جمله** با آن که خبر است و باید مرفوع باشد به خاطر مجاورت با **صیغ** مجرور آورده شده است **جواب ادعای اهل سنت** ← اگر فردی با ذوق سلیم به آیه نگاه کند در می یابد که عطف **ارحکم** بر **وجوهکم** صیغیت زیرا بین معطوف و معطوف علیه فاصله زیادی آن هم به واسطه یک جمله اجنبی مثل **امسحوا برئوسلم** ایجاد می شود و ذوق سلیم این را نمی پذیرد علاوه بر این که با مراجعه به کتب ادبیات مثل معنی متوجه می شویم که باب مجاورت مربوط به موارد ضرورت شعری است نه کلام خدایست این توضیح در اینجا قابل قبول است.

۱- و اما این که مسح دو تا یا تا برآمدگی است و لا زام نیست که خود دو برآمدگی مسح گردد **مسند این مسئله دو چیز می تواند باشد:**

۱- صیغ زراره و بکیر که نزدیک در آغوش آمده بود **اگر** بین دو برآمدگی تا سرانگشتان مسح شود کفایت می کند پس مسح بین کعبین تا سرانگشتان کافی است و لا زام نیست خود برآمدگی داخل در مسح باشد.

۲- عینی وجود دارد که اگر در کلام غایتی ذکر شود سلافته شود **اگر** جمع می آیم **آیات** داخل در معنی است یا نه ظاهر این است که غایت در حکم معنی داخل است و در آیه که وارد شده **ان الی تعین** غایت که همان **لکین** است داخل در حکم معنی یعنی وجوب مسح است

۱۱- و اما از نظر عرضی کفایت مسح در مسح یا ها **مسند این مسئله آیه** و ضو است زیرا اگر **ارحکم** عطف بر ظاهر **رئوسلم** باشد تقدیر آیه اینگونه می شود **۱۳۹۸ امسحوا برئوسلم** که با **تبیین** بر سر **ارحل** هم داخل می شود و مطلوب هفته ۱۳ مثل جهت مسح سر ثابت می شود و اگر **ارحکم** عطف بر محل **رئوسلم** باشد



پنجشنبه
خرداد
۲۳

۹ شوال ۱۴۴۰

13 June



تقدیر آیه اینگونه می شود **استسغوا** اگر **فعلکم** که در این صورت هم بخاطر اطلاق آیه

مطلوب است زیرا با انجام مسامی مسع به دستور آیه همین بر مسع عمل نموده ایم.

۱۲- واما لزوم مسع پای راست بابت راست و پای چپ بابت چپ ← بخاطر صحیحیه
زراعه است که خواهد آمد.

۱۳- واما لزوم مقام داشتن پای راست ← دلیل این مسئله صحیحیه محمد بن مسلم

«از امام صادق (ع) است» **امسح علی القدمین وابدأ بالسحق الا یمن** ← معنی ←

«بر دو پا مسع عا و از پای راست شروع کن»

۱۴- واما جایز بودن علس مسع کردن در مسع سر و دو پا ← بخاطر اطلاق آیه کریمه

«و منو می باشد» صحیحیه هادی بن عثمان از امام صادق (ع) «**لا بأس بامسح القدمین**» **مطلق و مبررا**

خرداد

معنی ← استغالی در مسع در پا روی جلو **و از انکشت به طرف برآمدن** و یا روی عقب

و از برآمدن به طرف انکشت میت «این مسئله را در مورد مسع پاها تأکید می نمایند»

۱۵- واما اینکه لازم است مسع سر و پاها با آب و منو صورت پذیرد ← بخاطر صحیحیه زراعه از امام باقر (ع)

«و تمسح بیده یمنک و یسارک و باقیه من یمنک فیه یک

ظهم قدیمک الیمن و تمسح بیده یسارک فیه قدیمک خرداد

۱۰ شوال ۱۴۴۰

۱۴ June **العسری** ← معنی ← «و باید به وسیله رطوبت دست راست جلوی سر

را و به وسیله باقی مانده رطوبت دست راست پشت پای راست را مسع نماید و باید به وسیله

رطوبت دست چپ پشت پای چپ را مسع نماید و غیر آن می باشد»

2019

Week-24





شنبه
خرداد

۱۱ شوال ۱۴۴۰

۲۵

15 June

شیرازی و سوز

۹ وضو باید بایست باشد یعنی به قصد امتثال امر خداوند صورت پذیرد. آب وضو باید پاک باشد آب وضو باید مباح باشد آب وضو باید مطلق باشد رعایت ترتیب واجب است یعنی اول صورت سپس سر بعد دست راست و بعد دست چپ و بعد مسح سر انجام گیرد و بعد مسح پاها راست و بعد مسح پای چپ.

۱۱ رعایت موالات واجب است یعنی بین افعال وضو فاصله زیادی واقع نشود افعال وضو باید به وسیله خود فرد صورت پذیرد نه با کمک دیگری

۱۲ اعضای وضو باید پاک باشد. مانع شرعی از استعمال آب وجود نداشته باشد

المستند فی ذلک

۱۴ ۱- وضو باید بایست باشد یعنی به قصد امتثال امر خداوند صورت پذیرد

این که انجام فعل به آن انگیزه لازمه عبادی بودن است. و از این مطلب فهمیده می شود که ریا باطل کننده وضو و هر عمل عبادی دیگری باشد بلکه ریا فراموش کننده کبیره است زیرا نوعی شرک به خداوند متعال است و در حدیثی از پیامبر آمده است: «از پیامبر سؤال شد که فردای قیامت نجاست در چیست؟» فرمود: «هانا نجاست در این است که خدا را ضریب ندهد»

تا شما را ضریب دهد پس هانا کسی که با خدا محل ضریب کارانه ای انجام دهد خدا او را ضریب می دهد و ایمان را از او می برد و اگر بفهمد خودش را ضریب داده است خدا را لعنت شد: ۱۸ بنده حضور با خدا محل ضریب کارانه ای انجام می دهد؟ فرمود: «به امر خدا محل می نماید» ۱۶

۱۳۹۸ به واسطه آن دلیلی را اراده می نماید در مورد ریا از خدا بترسید زیرا هفته ۱۴ ریا شرک به خداست. ریا کننده در روز قیامت به چهار اسم خوانده می شود: ای کافر»





یکشنبه
خرداد
۱۲ شوال ۱۴۴۰

ای نایب‌الارکان ای غنی‌بهار ای مهر‌کننده عمل خود از بین رخت و اجرت باطل شد 16 June

پس امروز راه خلاصی برایست میت و یادداشت را از همان کسی طلب کن که برای او کار می‌کردی
دبعد از این سؤال از دلیل عبادت وضو ماضی می‌ماند و جوابش این است که عبادت
وضو به دلیل این است که مرکز در ذهن هست متشعشع برکت از آنان دلوک مردوز
این است که وضو عبادت است و احتمال این وجود ندارد که این ارتکاز بدون علت و عبت
۱۱ ایجاد شده باشد - **خاطر محال بودن ضرور معلول بدون علت** - و علتی برای آن غیر از
پرسیدن آن از محرم به قدرت دست به دست از سنن‌ها می‌گیرد وجود ندارد.

صغری ← وضو عبادت است.

کبری ← عبادت بدون مقصد غریب به حق نفس شود.

تعلیم ← عبادت وضو باید با مقصد غریب باشد.

۲- **واما لزوم پاک بودن آب** ← علت آن موثقه سماعه از امام‌هاست (ع) **لا یطهر**

معنه انادان علیها ماء وقع من احدیها قدر لا یوری الیهما صبر و لیست بقدر

علی ماء غیره؟ **قال: لا یجوز علیهما صیبا یتیمم** ۱۱ ← **معنی** ← در مورد مردی

سؤال می‌کنند که دو ظرف دارد که می‌داند یکی از آن دو نجس است اما نمی‌داند کدام یک است

و آب دیگری هم ندارد برای وضو چه کند؟ **امام دهم** در جواب می‌فرماید: هر دو آب را

پریزد و تیمم کند ۱۸ از این روایت به خوبی لزوم پاک بودن آب وضو استفاده می‌شود.

۳- **واما لزوم مباح بودن آب وضو** ← بخاطر این است که اگر آب وضو عصبیه باشد

وضوئی با آن آب هم عصبیه و حرام می‌باشد و با وضوئی حرام نمی‌توان قصد امتثال امر

2019

Week-24

خوار کرد پس وضو با آب عصبیه باطل است.

شهادت سربازان دلیر اسلام: بخارایی، امینی، صفار هندی و نیک نژاد (۱۳۴۴ هـ.ش)





دوشنبه

خرداد

۱۳ شوال ۱۴۴۰

۲۷

17 June

ع- واما لزوم مطلق بودن آب و سو ← علت آن آیه ۴ سوره مائده است که در آن

آمده «فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا» ← معنی ← «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَاءً فَتَيَمَّمُوا بِمِمَّا يَرَوْنَ مِنْ حَبْثِ الْوُثْقِ وَخِشْيَةِ الْأَيْدِي»

ع- واما لزوم ترتیب بین اعطای وضو ← علت آن صحیح زراره است از یکی از

دوامام بزرگوار (امام باقر یا امام صادق علیه السلام): «عن رجل بدأ بیدیه قبل وجهه و نزله

قبل یدیه قال یدیه با برأ الله به ولیقه ما كان» ← معنی ← «در مورد وضو

سؤال شد که قبل از صورت دست راستین و قبل از دستین دودستین دوپایین

را مسح نموده است؟ فرمود: باید به همان چیزی شروع نماید که خداوند متعال در قرآن مشروع

نموده است و آن وضو را که انجام داده بود تکرار نماید و غیر آن اعتقاد صحیح نیست»

و صحیح مذکور بر لزوم تقدم راستین بر دست راست دلالت نمی کند غیر از

اینکه استدلال بر این مطلب به صحیح گذشته مفسرین لازم مکن می باشد»

۴- واما در مورد مسح کردن موالات در وضو ← علت آن مقتضای اطلاق آیه کریمه

و فرمود است: «وَلَمْ يَلْعَنُوا» که در اینجا وجود دارد نقض گفته است که دست و صورت را بشوید

سر و پاها را مسح کنید و فرض از موالات به میان نیارده است ولی ما روایتی از صحیح

محدود داریم که بر لزوم موالات دلالت می کند: «لَا يَلْعَنُ إِلَّا مَنْ غَسَّ رَأْسَهُ وَتَوَضَّأَ مِنْهُ»

الحمد لله عذبت الجارية ما بطلات علي بالماء فيضع وضوءه قال: «أعدا»

معنی ← «هر سیم از اما صادق علیه السلام بعضی وقت ها در وضو وضو گرفتن هستم و آب تمام می شود

و لکن از امدا می زنم که برای آب بیارم و او به آرامی آب می آورد و اعطای وضویم ختم

۱۳۹۸ می شود چه کنم؟ امام دعی می فرمایند: و فوراً تکرار نماز این روایت دلالت می کند

هفته ۱۴ برای اعتبار سوالات یعنی عدم خست شدن وضو



MOFIDAN Meat Product Co.



۲۸

سه شنبه

خرداد

۱۴ شوال ۱۴۴۰

18 June

باتوجه به آیه و تفسیر

۷- **واما اعتبار مباشرت (انسان باید خودش وضو بگیرد)** ←

مستحب است که این مورد استناد کرد زیرا بدون مباشرت محقق نمی شود نسبت دادن وضو و وضو به فاعل آنچه این است که دلالت می کند بر اعتبار آیه وضو.

۸- **واما معتبر بودن طهارت اعضای وضو** ← اختلافی است و مشهور بر آن قائل هستند مستند این شرط دو دلیل است که هر دو معتبر می باشند:

الف) قیاس به غسل جنابت به این تکیه که در غسل جنابت دلیل داریم که قبل از غسل باید اعضا تقصیر شوند و وضو هم به غسل قیاس شده و در مورد وضو هم گفته شده است که قبل از وضو باید اعضا تقصیر شوند. باتوجه صحیح زراغه.

ب) و یا ظاهر این است که متنجس بودن اعضای وضو مستلزم متنجس شدن آب وضو می شود. در مورد قابل اشکال است: در مورد اول به خاطر اعمال مرق بین وضو و غسل و اما دلیل دوم بخاطر اشکال فرض عدم تنجیس آب وضو در بعضی حالات مثل وضو اگر عاقل با آب که یا مرض پاک بودن عناده ای که بعد از طهارت عمل از آن جدا می گردد. بنا بر این اگر از متنجس بودن اعضای وضو مستلزم شدن آب وضو لازم نیاید دلیل بر معتبر بودن طهارت اعضای وضو و مجرد ندارد.

۹- **واما معتبر بودن عدم مانع شرعی** ← در خصوص فرض عطف به خاطر مانع حلیه از

اما ما صدق در: الرجل یكون معناه القلیل جان هو اعطی به جانب القیاس (بجمله)

به آن تیمم. **۸** قال: «بل تیمم و لا یك اذا اراد التمس» ← معنی ← به امام صادق (ع) نعم.

قبلی که همراه او آب قلیل است که اگر با آن غسل غایب خوف تنجس دارد آیا غسل غایب یا تیمم؟

2019

Week-25

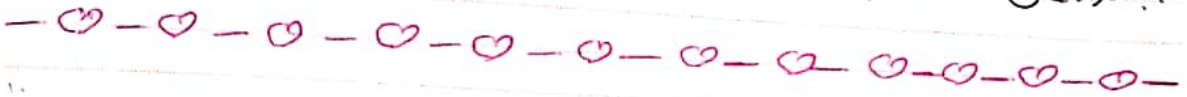
فرمود بلکه تیمم غایب همین کار را انجام دهد (تیمم شد) حنفی می گویند و وضو

19 June

۱۹ June ۱۵ شوال ۱۴۴۰

۸ برفتن عاک است زیرا دلالت بر برداشته شدن امر به و منو می کند و با عدم امر بقیصع و منو

۹ نه با امر مکن است و نه با ملامک زیرا ملامک کاسف ندارد.



رواقین وضو

مطلات و فو عبارتند از : ۱- چهارمردی که از بدن انسان خارج می شوند بول منی
خائف و باد صحره . ۲- خواب ۳- هر چیزی که از بین بدن عقل باشد
مرد مستی بیهوشی و بختن و لومقطعی باشد ۴- استعاضه فکله و مترسعه و کثیره
۵- رطوبت مستبهمه که قبل از استبراء از انسان خارج می شود که در علم بول می باشد

والله مستند على ذلك

۱- واما باطل کردن و توبیخ و مورد اول (دول ، غافل ، فروغ باد معده و هواها) :
مورد نکالم امعاب است و از درایاتی مثل صحیح زراره ، قلت لایس فیه و این
عبدالله ، ما یفقد النور ، فقالا ، ما یفقد من طرف الا سفلی من الدکر
والنور ، من الغافل والبطل ، او علی ، او ریح ، والنور حسن یرهب العقل ۱۶
یعنی ← به اما آفات و اما آفات و ای ، ختم : چه چیزی و ضرر باطل می غاید ، فرمودند :
آنچه که از در طرف یاسینت بعضی عجز بول و غریب غافل خارج می شود : غافل یا بول یا منی یا باد
معده و خوابی که زایل کننده عقل باشد . ۱۸

۲۔ واما باطل سُورن وضوء بہ چیری کہ رائے لکھوہ عقل باسد ہے مورد تسلیم اصحاب است
۱۳۹۸ و متواتر آن را از ذیل صحیح قبل بہ دست آورد
ہفتہ ۱۴

درگذشت دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶ هـ ش)





پنجشنبه
خرداد
۳۰
۱۶ شوال ۱۴۴۰

۳- واما باطل شدن وضو با استقامت نكليه ← دليل آن صحیح و معاریه بن عمار 20 June

از امام صادق (ع) «وإن كان الدم لا يقرب الكرشف، فلو سالت، ما قلت الاستسقاء»
«مفیدان» حدیث «مفیدان»
و داخل شود در مسجد و با هر وضو یک غاز بخواند. «واین نشان می دهد که استقامت وضوی او را باطل ساخته است.»

«واما باطل شدن وضو با استقامت متوسطه» ← بخاطر موثقه سماعه از امام صادق (ع)
«والمستقامه إذا تقب الدم الكرشف اغتسلت لقل ملاتين وللعصر غسلك وإن لم يجز الدم الكرشف فقلها الغسل لقل يوم مرة والوضو لقل صلاة»
«مفیدان» «خاتم مستقامه الرضون از سینه بلذروب پاره برسد (مستقامه کثیره) باید برای هر دو غاز و غار صبح غسل غایب و اگر از سینه نلزد (استقامه متوسطه) باید در هر روز یکبار غسل کند و برای هر غاز وضو بگیرد.»

خرداد

و اما در مورد مستقامه کثیره ← ممکن است تا اقل شستن به واجب نبودن وضو در حق خاتم مستقامه کثیره.

۳۱ خرداد
۱۷ شوال ۱۴۴۰
۲۱ June

برای بطلان وضو به وسیله استقامت کثیره در روایات عمک خود جمع
زیر در روایات و ضمیمه مستقامه کثیره سه غسل در روز برابر هر
وعدۀ غاز مکرر داده شده است و اگر چه این وضو نسه است این معلوم نیست استقامت کثیره باعث بطلان وضو بشود مگر اینکه گفته شود و در استقامت نكليه و متوسطه باعث بطلان وضوی شوند استقامت کثیره به طریق اولی باعث بطلان وضوات و اینک

در روایات و ضمیمه او وضو مکرر داده شده است به خاطر این است که غسل 2019 Week-25

کفایت از وضو غایب مثل غسل میثاق که از وضو کفایت می غایب البته به خاطر

شهادت دکتر مصطفی جعفران (۱۳۶۰ هـ ش) - روز سبوح استادان - روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه ای





شنبه

تیر

۱۸ شوال ۱۴۴۰

22 June

عدم مخالفت با مشهور احادیث واجب در این است که مستحاضه کبیره و منوره بکشد.
معلوم به طهارت ظاهری ← شک داریم و حکم واقعی را نمی دانیم به سبب
امول محلیه من ریم و آن حکم ظاهری را به ما می دهد.

ع- واما باطل شدن وضو به واسطه خروج منی ← به خاطر صحیحی گذشته زراره می باشد.
واما باطل شدن وضو به واسطه جماع ← بخاطر صحیحی ابر صریح است «قلت لا بی
صغر دی ما نقول من الرجل یترکاً ثم یعود جاریتاً فتأخذ بیده فتی ینتهی
الی المسبح غایب من عندها یزحمون أنها الملازمة. فقال: لا والله ما به نك
یا س ویا فعلته وما یحیی هذا الا المرافقة فی الفرج» معنی ← به امام باقری
گفتم در مورد مردی که وضو می گیرد سپس کینز می راند وضو دستش را می کشد تا اینکه
به مسجد برود چه می فرماید؟ هاء در نزد ما کسانی هستند که خیال می کنند این از مقاربت
ملازمة می باشد. پس فرمود: نه به خدا قسم آن اشکالی ندارد و چه بسا خود را هم آن
را اعیان می دهم. و مقصود آن جماع در فرج است.

ه- واما اینکه مطوب مستحب قبل از استبراء در حکم بول است ← و باعث باطل شدن
وضو می گردد. مستند این مسأله مفهم صحیح محمد بن مسلم است «قلت لا بی
صغر دی: برین حال و لم یکن معه ماء فقال یغیر اصله وکره ای ضربه ثلاث
عشرات وینتحر ما فی جوفه فخرج بجمه وکف شد فلیس من البول ولکن من الخائل»
معنی ← به امام باقری گفتم: مردی ادرار نموده و آب را اویت می کند امام فرمودند:
۱۳۹۸ با این آفتاب را سه بار به طرف بالا فشار دهد و سرش را بکشد پس اگر بعد از آن چیزی
هفته ۱۵ از او خارج شد در حکم بول است و از زدن بدن است.

روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی (سالروز مکتور فرمان حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) مبنی بر تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۶۰ ه.ش) - روز اسنان



MOFIDAN Meat Product Co.

۲

یکشنبه

تیر

۱۹ شوال ۱۴۴۰

23 June



این مسئله به این نکته اشاره دارد که اگر بعد از استبراء مایع مستحبی ارشاد خارج شود در مکرم بول می باشد.

سوار و صوب و صو

اصل و منکر رفتن مستحب است ولی در سوار و صوب واجب می شود.

- ۱- برای خواندن غارهای واجب مثل غارهای یومیه و آیات و ... جز غار نیست.
- ۲- برای به جا آوردن اجزای فراموش شده غار مثل سجد یا تشهد فراموش شده.
- ۳- برای خواندن غار احتیاط مثل سوار و صوب که فردی در بین رکعات ۳ رکعت شک می نماید و غار احتیاط برابر واجب شود.

۴- برای به جا آوردن طواف واجب مثل طواف زیارت رطواف نساء در عمره مفرده.

۵- خنجر و صند یا عهد و قسم برای اتمام روضه.

والمستند فی ذلك

۱- واما وجوب و منکر برای غار واجب به دلیل آیه و منکر ۲- و احادیثی که دلالت

بر این دارد: «لا صلاة الا بظهر» یعنی غار بودن مختصات صغیریت.

۲- واما عدم وجوب روضه در غار صغیر به خاطر دلیلی است که هنگام عجب از غار صغیر خوانده آمد.

۳- واما وجوب روضه برای اعراف فراموش شده غار و غار احتیاط به این دلیل است که

ایشان در حقیقت جزو غار هستند و همانطور که بیان شد برای به جا آوردن غار و اجزای آن روضه واجب می شود.

۴- واما وجوب روضه برای طواف واجب به خاطر صحیح علی بن جعفر از پدرش ۲۰۱۹

«و مسئله عن رجل طاف ثم ذكر انه علم غير روضه فقال: يقطع طوافه ولا يفتحه به» Week-25





۱- واما بنابر حالت سابقه یقیناً غایب است صاحب می باشد.

۲- واما بنابر وضعیت غازی کسی که شک می کند در طهارت بعد از غازی ← به دلیل قاعده فرائع می باشد

با ترجمه به موثق محمد بن مسلم از امام باقر (ع) «كُلُّ مَا شَكَلْتُ فِيهِ مَقَادَ سَعْيٍ مَا تَعَبُهُ

فَمَا حَرُّ» ← معنی ← هر چیزی که در آن شک غرضی از آن میزنه یاری که گذشته است

بلکه از آن ها منظور که بوده است (یعنی به آن شک اعتنا نداشت)

۳- واما وجوب وضو برای احتمالی که در پیش است ← به خاطر لزوم امر از شرط عملی است بعد

از اینکه فرض این است که قاعده فرائع به لحاظ شک قبل از عمل جاری نمی شود.

۴- توضیح بیشتر ← کسی در اثنای غازی در طهارت شک می کند اگر حالت سابقه طهارت داشته

باشد غازی صحیح است و الا غازی باطل است. مستند این مسئله این است که امر از

شرط غازی که طهارت است به لحاظ جقیه غازی شرط است و فرض این است که شک دارد و قاعده

فرائع هم در اینجا جاری نیست و لذا غازی باطل است.

۵- واما واجب بودن وضو برای کسی که شک می کند در وسط غازی و محکوم به طهارت ظاهری است ←

کسی در حال خواندن غزوات و در وسط غازی شک می کند که آیا وضو گرفته است یا نه

و وقتی که می گویم محکوم به طهارت ظاهری است یعنی باید بر اساس استصحاب به اصل

آن برگردد یعنی شک در طهارت دارد باید به قبل آن برگردد که وضو گرفته است پس باید

غازی را قطع کند و وضو گرفته و غازی را دوباره بخواند.



- ۳- و اما همانا **سُك** گفته در حاجت موجود (چیزی که روی دست ارجحیت مانع است یا نه) یا سُك می کشد در مورد حاجت (مانفی هست روی دست او یا نه) بر او لازم است تحصیل یقین **یعنی** بخاطر این که ذمه اش مستعمل است بر سستین دست ها و صورت و چاره ایست از به دست آوردن یقین به غرض سُك ذمه اش از سستین دست ها و صورت و تحصیل یقین به غرض ذمه اش از سستین صورت و دست ها صحیح نمی شود.
- ۴- من مطمئن شوم هیچ مانعی در صورت و دست هایم نیست.
- استغفار یقینی فراغت یقینی را می طلبد. یعنی ذمه من مستعمل به تکلیف است و وقتی آن تکلیف از گردن من ساقط می شود که یقین کنم محکم را در دست انجام داده ام.
- ۵- و اما بنابر صحت **لذا است** در صورتی که سُك (در مانفی موجود یا اصل وجود مانع) بعد از وضو باشد به دلیل قاعده فرائض است. و آیا در برابرین قاعده فرائض این شرط می شود که در این فروع سُك (یعنی حاجت موجود یا وجود حاجت) مقدم بودن منتقام عمل **یعنی** وقت زیاده داشتن در منتقام عمل) در این مورد بین آنها اختلاف نظر وجود دارد.
- ۷- و اما حکم به صحت وضو در فروع اخیر (جایی که بعضی از عشاء وضو متعجب باشد و بعد از وضو سُك کند که آیا آن وضو را تفسیر کرده یا نه **یعنی** بخاطر قاعده فرائض است **یعنی** اطلاق این حکم به بقا بجاست (عدم کفایت غسل وضو در تحقق تفسیر) می شود استصحاب است زیرا قاعده فرائض در ابیات لوازم خود محبت است.
- ۱۳۹۸ -۱- همین که وضو می گیریم دست هم پاک می شود.
- هفته ۱۵ -۲- بار وضو بجاست دست پاک نمی شود.





پنجشنبه

تیر

۲۳ شوال ۱۴۴۰

27 June



درس چهارم غسل

در غسل سر در غسل واجب می شود آن موارد عبارتست از: جنابت، میمنه، نفاس، استحاضه، مرگ، مس صیت.

غسل جنابت و سبب آن

حالت جنابت در دو صورت حاصل می شود: ۱- اول اینکه منی از بول خارج شود. ۲- فرد با دیگری نزدیکی کند و محل دخول رخ دهد مگر منی نکند دخول از جلو باشد یا عقب و یا اینکه همراه با خروج منی باشد یا بدون آن. دو نکته:

۱- همانقدر که پیش از بول محل استبراء مستحب است در غسل نیز مستحب است اما استبراء در غسل به بول کردن است. اگر کسی پیش از غسل استبراء نکرده و رطوبتی از او خارج شود که مستحب بوده و صحت آن نامعلوم باشد حکم فرجه منی را دارد. ۲- غسل وجوب ذاتی ندارد در صورتی واجب می شود که انسان بخواهد محل واجب دیگری که مشروط به غسل است را انجام دهد.



جمعه

تیر

۲۴ شوال ۱۴۴۰

28 June

غسل جنابت و بعضی از افعال مستحب

غسل را به دو شکل ارغاسی و ترکیبی می توان انجام داد. در غسل ارغاسی هم بدن یک دفعه وارد آب می شود البته یکدفعه بودن عمرض است یعنی عرف آن را یکجا بداند.

در غسل ترکیبی ابتدا باید سرد کردن سپس طرف راست و بعد از آن طرف چپ

2019 Week-26

مسئله مورد شهادت مظلومانه آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از باران امام خمینی (رحمة الله علیه) با انفجار بمب به دست منافقان در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰ هـ ش) - روز قوه قضائیه



29 June

29 June
موالات نہ کرنا در غسل جنابت بلکہ در هیچ غسل دیگر لازمیت۔ **موالات** انجام عمل

به گونه ای باشد که عرفاً بین اعضای آن فاصله نیفتد.

در غرض قناعت و در دفعه غسل ها از زمایت عتق بدن از بالای پائین سسته شود بلکه می توان

هر قسمی را از پایین به بالاست

عسل نبات ← به نیاز کمتر از وضو است

الرئيس در اصل اجزاء غسل جنابت شست گند باید دوباره غسل کند اما اگر کسی نیست (از اجزاء)

عسل درصفت آن شد کرد به سلسل اعتبار فکده و بنا بر این صفت می گذارد

اما الرئيس از خواندن غاز در اصل (بخام غفلت شد کرد غاز را) صیغ است اما براس ریه الحامس

بانه دوباره غسل کند

1f

محرمات صبا

۱- بر فرد واجب صراحت است که به نوشته های قرآن دست نزنند مسهور فقها لفظ جلالة و هم چنین صفاتی مثل الرحمن که مخصوص ذات خداوند متعال است را به نوشته های قرآن ملحق کرده اند.

۲- خواندن سوره های سعبه دار بر حسب مرام است البته در اینجا اختلاف نظرها وجود دارد
در اینکه خواندن کل سوره مرام است یا تنها همان آیه سعبه دارد.

۳- وارد مسجد شدن بر حسب مرام است مگر اینکه به عبور کردن باشد به این صورت که از در ^{۱۹} وارد و از در دیگر خارج شود البته این استثنا در مورد مسجد الحرام و مسجد النبی هفته ۱۶

روز مبارزه با سلاح های شیمیایی و میکروبی - شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (۱۴۸ هـ.ق) (تعطیل)





این علم به مسامحه ملحق نیست.

۴- قراردادن چینی در مسجد بر جنب مرا۳ است.

—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—♡—

حقیق و غیرہ افعال مضمون ہاں

تشریف ہے: حیف عونی است کہ غالباً ہر ماہ از زن خارج می گردد۔

و نیز کسی عاقل خون صیفی سیاه رنگ یا قرمز رنگ گرم و تازیه است و در غالب موارد با عصاره
و سوزش خارج می شود.

لحترین زمان آن سه روز و بیست و نه آن ده روز است. بنا براین اگر خون کمتر از سه یا بیست
از ده روز باشد صحت می‌باشد.

فزون صیف باید در سه روز اول استمرار عرضی داشته باشد و باید بعد از بلوغ و قبل از یائسگی باشد. ع

اعمال حسن

زن حائض تا قبل از اینکه خونش قطع شود و غسل کند چهار عمل را نمی تواند انجام دهد به عبارت دیگر، غار، روز، طواف و اعتکاف از او صحیح نیست.

روزه های واجب را که در این ایام از اذیت می شود باید قضا کند اما قضاى نمازها واجب نیست. ^{۱۷} همه آن موارد مجهره آنست که در عین مرام است بزرگ حاکم هم مرام می باشد.

نزدیکی با حافظ قبل از پایان جریان خون مراعات است.

طلاق دادن زن در ایام حیض با نیت آنکه در باب طلاق گفته شده است صحیح است.

۱۹. عذره غسل صفت هم مانند غسل صفت است و با آن تفاوتی ندارد.







۱۱

سه شنبه

تیر

۲۸ شوال ۱۴۴۰

2 July

کُشَره ← زن مستحاضه علاوه بر تکوین پنب یا قَصْرِ آن و وضو برای نماز باید
سه بار در روز غسل کند یک غسل برای نماز صبح دیگری برای نماز ظهر و عصر و سومی غسل
برای نماز مغرب و عشا. برضی معتقدند در این نوع استحاضه همان غسل برای نمازها کافی
است و گرفتن وضو واجب نیست.



نفاس و بعضی از اعطام حیض آن

نفاس ← نفاس خون است که هنگام ولادت و بعد از آن خارج می شود بیشترین
زمانش ده روز و برای کمترین زمان آن هدی وجود ندارد.

و برکت های خون نفاس ← اگر خون خارج شده در زمان ایام ولادت فرزند از ده روز

بجایز بلند کل آن نفاس است. ولی اگر از ده روز بجا از یک دهه میزان عادت صیف
نفاس است و اضافه بر آن استحاضه است.

اعطام نفاس ← باید ترک کند زن نفاس از روزی را با این تعداد که باید فقط روزه ها را

قضا کند. و مرام است نزدیکی با زن نفاس و همچنین حیضیت طلاق دادن او در ایام نفاس.

واجب است بر زن نفاس که غسل کند هنگام قطع شدن خون نفاس با کیفیتی که در غسل

صائب بود.

۱۸

۱۹

2019

Week-27

شهادت آیت الله صدوقی چهارمین شهید محراب به دست منافقان (۱۳۶۱ ه. ش)





چهارشنبه

تیر

۲۹ شوال ۱۴۴۰

۱۲

3 July

مرک و من مکت

درس پنجم

زمانی که مرگ برای انسان حاضر شود پس قول مسکود و جوب رد قبله بودن انسان است که واجب کفای است به عوی که اگر بنشیند سرش را به قبله بکشد. در غسل و لازم آید در غسل - رانی که مرگ - که غسل دادن واجب کفای است. در غسل و بار است با راول با آب سرد سه مرتبه مرگ در بارد و آب کائور و سومین بار با حاله با کیفیت غسل فداست. محکومات در دوای اولی (آب سرد و آب کائور) طوری مخلوط شود که موجب سلب اطلاق شود یعنی مطلق بودن از بین نرود.

و لازم است در غسل هم حبست بودن یعنی زن را زن غسل دهد و مرد را مرد. و در زن و مرد که طهارت ندارد و طفل آن چنانچه ای که سقف او از سه چهارم نفس کشد و محارم واجب است واجب کفای بعد از غسل شرط کردن به مابین مسجد هفت خانه (نخل سبعة عشر هفت خانه) باید در کائور پاک.

سپت گفتن کردن که واجب کفای است به سه قطعه. ۱- یکی از آن قطعه ها پیر سانه مابین ناف تا زانوات نامیده می شود منزرات. ۲- درمیان قطعه مابین کتف هالت تا بغل ساق یعنی تا زانو که نامیده می شود همیه. ۳- و سومین تکه می یونگانه عام بدن را و به آن گفته می شود بازار.

و واجبات غاز بر میت مسلمان بعد از غسل دادن و کفن کردن زمانی که سن او شصت سال باشد با تکبیر بیفج خانه: ۱- آورده می شود به سه بار و دین بعد از تکبیر اول. ۲- و در رد

۱۳۹۸ بر بیا میرا کرم (در) فرماده می شود بعد از تکبیر دوم. ۳- دعا برای مؤمنین هفته ۱۶ بعد از تکبیر سوم. ۴- دعا برای میت بعد از تکبیر چهارم. ۵- سپت بکسر حمله دوشانه ناوگان آمریکای حاکمان به هواپیمای مسافری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷ ه.ش) - روز افشای حقوق بشر آمریکایی





پنجشنبه
تیر
۱۳
۱ ذی القعدة ۱۴۴۰

4 July

بیم رغا رغا آس شود.

و عتبر نیست طهارت به هر دو قسمی چه طهارت از نیت و یا عدت و در عدت چه عدت استغیر یا عدت التبر و صباح بدون لباس هم شرط نیست و پوشش هم عتبر نیست.
و دفن می شود بجز از خواندن نماز صلیت یعنی میت محض می شود در زمین به خودی که این با سر جسدش از درنده ها و از اذیت کردن بوی میت مردار را و قرار داده می شود به طرف رامت رو به قبله.

و مس میت قبل از غسل دادنش سبب در امد می شود: غسل کردن عضوی که مس کرده به شرط رطوبت و واجب بودن غسل هنگامی که مس بر میت انسان بجز از سرد شدن باشد.

۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱

۱۳

درس ششم تیمم

لیفیت تیمم

ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها (۱۷۳ هـ) و روز دختران

حَقَّق پیدایش لفظ طهارت به زدن گِل در کف دست روی زمین. سپس کشیدن دست ها بر بیسگی و اطراف بیسگی از جایی که مور و سینه تا بالای بین و ابروها و در طرف ابروها.

۱۴

جمعه
تیر

۲ ذی القعدة ۱۴۴۰

5 July

دست راست همچنین و مسحوات تیمم بر مطلق زمین.

مسوحات تیمم

واجبات تیمم هنگام پیداکردن آب بعد از مس قبضه کردن آب به مقدار یک سیر یا یک گالن در زمین ناهموار

و به مقدار یک گالن در زمین هموار و هنگام آترس از رسیدن به آب یا هنگام آترسین ۲۰۱۵

معلق بر خودست یا غیرت از استعمال آب در هنگام آمدن مسافر در به دست آوردن آب در هنگام تنگی وقت روز فکم

و هنگام مزاحمت با راعی که تعیین می شود صرف کردن آب در آن واجب.





شنبه
تیر

۳ ذی القعدة ۱۴۴۰

۱۵

6 July

و غل غسل جبیره ای

زمانی که بر بعضی از اعضای وضو جبیره ای باشد (رغمی باشد) - غلط مبراقت خارجی یا غلط زخم
داخلی یا غلط سلسلی - پس در صورت رساندن آب زیر جبیره بدون فدر - ولو
با خبر بودن جبیره زیر آب یا با کشیدن جبیره - واجب است رساندن آب به اعضای وضو
و الا اگر امکان نداشته باشد رساندن آب به زیر جبیره لازم است مسحه کردن بر روی جبیره
آن صاف و غیره که جبیره صافد مسحه واجب است از بین بردن مانع و با امکان حد استن آراه
کردن یا از بین بردن مانع واجب است قسم اگر آن مانع در موضع تیمم نباشد
و الا اگر در موضع تیمم باشد لازم است جمع کردن تیمم و وضو
حکم در غسل جبیره ای حکم در وضو است

۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱
خمس ششم غاسات

۱۵ غاسات ده هیم است - بول و غاسات
بول و غاسات از هر میوان مرام گوشتی نجس است که داراها منون بجهنده است جز بول و
غاسات پرزده و اگر شک کنیم حکم مرسوم به طهارت بول و غاسات

۱۶ المستند من ذلك

۱۷ ۱- و اما غاسات ۱۰ تا هستند که از طریق آیات و روایات سمارت سره اند

۱۸ ۲- و اما نجس بودن بول و غاسات من الجملة است و هیچ اختلافی بین مسلمانان وجود ندارد
با تکریم در به در روایتی که ذکر می شود

۱۹ هفته ۱۷ ۱۳۹۸
صحیح محمد بن مسلم از امام محمد باقر (ع) : (در سألته





۱۶

یکشنبه

تیر

۴ ذی القعدة ۱۴۴۰

7 July

عن ابول یسبب الثوب، قال: اغسله مکررین «پرسید از ادراری که به لباس

امامت کرده بود و ایشان جواب دادند آن لباس را دو مرتبه بشوید و آب بکشد»

لبا) مضمون مؤلفه عمار از امام صادق (ع) که فرمودند: «کل ما ایل کفنه فلا بأس بما

یخرج منه: «هر آنچه که کوفت آن حلال باشد، هر چیزی که از او خارج می شود مشکلی ندارد»

مضمون این مؤلفه این است که اگر صیران مرام کوفت بود آنچه از او خارج می شود عین است.

۳۱- واما اعتبار مرام کوفت بودن در نجاسات بخاطر مؤلفه عمار سابقا. واما اعتبار

صون مجزیه بودن بخاطر مؤلفه سابقا از امام صادق (ع) نقل عن الخنفساء و

الذباب والحجرات والنفثه وما استنبه ذلك عود فی البئر والزیت والسم و

سبیه، قال: «کل ما لیس له دم فلا بأس» معنی: «از سوسک و مک و ملغ

و سوری و چیزهایی سبیه به آن که در چاه یا بوغن و یا در غن و میون و سبیه آن مرده

باشند مدال نه، اما اگر مرده اند، هر آنچه که خون قابل اعتنائی خواسته باشد هیچ

اعتنائی ندارد پاک است.

۱۶- هما فامردن مستنیرا مکتلی سرن است و مستنیرا خارج شدن، کچم که درون این حیوانات

است از ادرار و زوائد دیگر و بخاطر این حکم داده شده است که پاک است بایع و رغن

۱۷- زیتون بدون هیچ میکرو پاک است.

۴- واما استناد غنودن پرندگان به داین صحیح ابو بصیر از امام صادق (ع): «کل شیء طیر

فلا بأس ببویله و ضریره» معنی: «هر چیزی که پر از می باشد از بول و فضله نفسی اعتنائی ندارد»

۱۹- واما حکم به طهارت در صورت شک در دوقید به دلیل اصل طهارت می باشد.

2019

Week-27





دوشنبه

تیر

۵ ذی القعدة ۱۴۴۰

۱۷

8 July

منی و مردار

منی و مردار عین است از حیوانی که قتل حبه دارد.
و مراد از مردار آن حیوانی است که تذکیر شرعی فسخه باشد. (به صورت شرعی قربانی شود)
آن چیزی که کرمه شده از بازار یا از دست مسلمانان در صورت شک در تذکیر آن محکوم به
علیت رجعات است حتی در صورت این که از مسلمان خریدیم و او از ما فر خریده است
خداوند که اقبال داده شود بجهت گرفتن مسلمان از تذکیر شرعی.

و المستند فی ذلک !

۱- و اما نجاست منی اگر از انسان باشد نجاست سالماً امصاب رجعات شرودت دین که این
صحیح اعتقاد کرده و نجاست ذلالت اعتبار زیاد. مثل صحیح محمد بن مسلم از امام صادق (ع)
یا امام باقر (ع) «المنی یصیب الثوب» قال: «ان عرفت مکانه فاعسله و ان
خفی علیک فاعسله» معنی ۴ منی به لباس امصاب می کند ایسان فرسودند: اگر
[کمان آن را من دانی همان جا را بسوی دکتر سلطان آن بر تو خفتی است همه آن را بسوی ۱۰
و اما اگر منی از غیر انسان باشد به دلیل صحیح محمد بن مسلم از امام صادق (ع): «ذكر المنی
و سکره و جعله اشک من البول» معنی ۴ امام منی را ذکر نکرد و بر آن تأکید نمود و آن را
سکره تر از بول قرار داد. هانوال که در المنی است و رال که در بول است (ال جنبه)
است یعنی همه منی ها و همه بول ها را شامل می شود و از آن جایی که بول حیوان مرا۴
نوشته که قتل حبه دارد نجاست است پس منی هم این چنین است و صحیح برای
۱۳۹۸ ثابت کردن نجاست منی آن تمسک کردن به صحیح محمد بن مسلم نجاست مکانی که
هفته ۱۷ و تفسیر کرده به امصاب کردن که معروف از منی انسان است.
روز تحلیل از امام زادگان و مقام فخرکه

۳

منی انسان

منی
غیر انسان
منی حیوان
مرا۴ نوشت



است و اگر اجماع نبود و الا عالم مقتضای عموم صریحه ابن بکر (فان من سائر
 لکمه خالصه من دره و بول و شکره و رویش و البانی و لکمی من سائر جائز...)
 معنی ہے اگر از چیزهای است که گوشت آن خوردن می شود چست غار در پشم و بول و مو
 و عائله و سیر در آن جایز است پاک است عبادت مخصوصیت.

و اما پاک بودن منی حیوانی که خون مجذبه ندارد یعنی توان قائل به نجاست سر زرا ادره
 نجاست منی سائل این دسته از حیوانات یعنی گوشت و طبق قاعده طهارت باید منی آن ها را طاهر دانست
 و از طرف دیگر می توان گفت که منی هر طهارت منی این نوع حیوانات نیز دلیلی وجود دارد.
 و آن صحیح حقیق بن غیاث از امام صادق (ع): «لا یغسل الحمار الا ما عانت له نفس»
 سائله «... معنی ہے آب را غاسل نمیکند مگر چیزی که خون مجذبه دارد»
 زرا اطلاق آن شامل منی هم می شود چون روایت سطلان است و منی غنورده است.

۲- و اما نجاست منیّه با صیغه مذکور (با صیغه منفی بودن) مستلزم علیه است:

و بر این نجاست آیاتی دلالت دارند که ادعای قناتر اجماعی آن ها امطمان را در صلی صلیع
 زراره از امام اکبر با خبر دهی: «اذا وقعت الفأرة فی السمن فماتت فیہ فان کان جامداً
 فالیقها رب یلیها و ان کان ذائباً فلا تأمله و اشتطیع به» معنی «
 اگر صوم در روغن افتاد و در آن سرد، اگر روغن جاسد بود صوم و اطراف آن از روغن
 دور بریز و اگر روغن طایع بود آن را غور و از آن در صراحی استفاده کن این مطلب در
 جایی است که صوم سرد و یا فغلم است در روغن افتاده در صحن صوم جنبه الهی 2019
 Week-28
 من اگر صوم باشد و زنده باشد روغن حیات منی شود.
 روز ادبیات کودک و نوجوان - روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی شاهرخ علیه السلام





چهارشنبه

تیر

۷ ذی القعدة ۱۴۴۰

۱۹

10 July

۳- واما ياك برين ميسه حيوانى كه خون مجبذه ندارد و عباير امثال طهارت است زیرا اوله جنايت مردار عموميت ندارد فقط موارد خاص در آن ذكر شده است. چيست با عصب به قاعده طهارت من توان گفت كه مردار اين دسته از حيوانات يك هستند. علاوه بر قاعده طهارت دليل ديگرى نيز براي اثبات طهارت اين نوع از حيوانات نلغ كه مؤثقه عباير باطبي است كه در مباحث قبل به آن اشاره كرديم «هر چيزى كه خون قابل اعتناي خوار طهارت»

۴- واما تفسير مردار به آنچه كه ذكر شده (به اين كه توكيد شرعى نشود) و اقصا من خداست ميسه به آنچه كه خود به خود مرده باشد و عباير مؤثقه سماعه: «اذا رميت رسميت فانكفج بجلده واما الميسه فلا» يعنى «الركبة يرباب كردن در حاله بسم الله لغز از پوست آن استفاده كن ولى اگر صيغه بود استفاده نكن» چيست هانا مؤثقه به واسطه مقابله (مذكور در روايات) براي امردالت و كند. يعنى حيوانى كه ذبح شرعى نشده است حكم ميسه را دارد.

۵- واما حكم به طلال بودن و ياك بودن به آن چيزى كه كشته مى شود از بازار مسلمانان و عباير اين كه بازار مسلمانان همان بر توكيد شرعى است. مقتضى مذهب حنبل و زواره و محمد بن مسلم از امام محمد بن زبير بن سفيان عن شراة اللحوم من الاسواق و لا يدري ما صنع العقابون فقال: «كل اذا كان ذلك من سوق المسلمين و لا تسأل عنه» يعنى «در باره خزينه كوست از بازار در حالى كه خفى داشته مقابله عبايرى كند چيست گفتند: هر آنچه چيزى كه مى باشد در ۱۳۹۸ بازار مسلمانين سؤال از آن نكن. علاوه بر اين اضافه شده به آن روايت سيرة هفته ۱۷ تحقيق در حسيت و جو نكردن خنقايم خزين از بازار مسلمانان. واما علم من شود به



۲۰

پنجشنبه

تیر

۸ ذی القعدة ۱۴۴۰

11 July



حلیت و طهارت در آن چیزی که کفر است، شود از دست مسلمان محضیت
 هست همانا بازار مسلمانان با عنوان بازار بودن به سبب اینکه محله هار و معدودی برای بازار است
 مدح طبعی برای بازار است در حکم به طبعی، بلکه بازار مسلمانان محبت است از باب کما سفیت
 بازار از دست مسلمانان، حیثیت برای دست مسلمان محکم است و مدار قابل به دست مسلمان
 است نه بازار و از آن جهت گفته می شود بازار مسلمان محکم است که در آن نما از دست فرد مسلمان
 می آید.

۶- و اما عمومیت داشتن محبت بازار مسلمانان بر حال آنکه قبلاً از کافر گرفته باشد و غایب محضیت آن
 که مستقیم شد و اما اینکه تعمیم چیزی به غیر از مسلمانان که از کافر گرفته معیده به حقیقت است
 توسط مسلمانان غایب اینکه محبت بازار مسلمانان غایب اما به بودن بازار مسلمانان از تذکیر
 شرعی است، و اما به ای در بازار مسلمانان یک در صورت عدم قطع به حقیقت کردن مسلمانان
 تذکیر سیر به اگر چیزی از بازار مسلمانان گرفته و دانستیم که آن مسلمان خود از کافر گرفته و اگر
 مسلمان متعام فریده حقیقت کرده که بییند عموماً آن میوان تذکیر شرعی شده یا نه و اگر حقیقت
 کرد و میوان تذکیر شرعی شده بود آن پاک و مطلق است و اگر حقیقت کرده متعام فریده از
 کافر است آن چه که فریده حرام است.

۲۱

تیر

۹ ذی القعدة ۱۴۴۰

12 July

خون

خون هر حیوانی که دارای خون جبهنده است نجس است و با شد در صورتی که شک داریم حیوانی
 خون جبهنده دارد یا نه حکم به طهارت آن می کنیم.
 در صورتی که به واسطه خاراندن بدن چیزی از بدن خارج شود و ندانیم که آیا خون است
 یا زرد آبه یا ... حکم به طهارت آن می نمایم.

2019

Week-28

روز عفاف و حجاب





شنبه

تیر

۱۰ ذی القعدة ۱۴۴۰

۲۲

13 July

همچنین اگر چیزی مثلاً از بین خارج شده و ما به دلیل تاریکی نمی دانیم آیا خون است یا غیر
دیگر مکمل به طهارت آن می نماییم و در این مورد نیاز به استدلال نیست هر چند که استدلال
به سادگی امکان پذیر باشد.

والمستند في ذلك :

۱- اما نجاست خون من الجمله به دلیل توافق بر آن است ← بلکه از ضروریات حقّه می باشد
و همچنین دلالت بر کذب نجاست خون ادایات زیادی در موارد خاص مانند خون بین و یا
گدن دندان و یا عراجات و از آن آجایی که روایت به موارد خاص اشاره کردند مشفق است که
دست آوردن یک محمول که اقتضا کند نجاست طبیعی خون را

خداوند را - کذا - مکرراً منسک شود به ارتکاز عزمی آن ارتکازی که قاضی است به سویی

فلیه (یعنی دلالت کند بر این که همه خون نجاست است) یا اطلاق مؤکده بحار از امام صادق (ع)

«سئل عما تسرب منه الحمامة فقال: كل ما اقل لمحة فتوضاً من سوره واشرب الا»

آن تری من متقاره دما فبان رأيت من متقاره دما فلا توضاً منه ولا تسرب ←

از طرفی که بعد از آن ضررده سوال شد اما فرمودند: هر آنچه که توسط ضررده نه شود (قلان

کوت) از نیم ضررده و در صورتی که در متقار او خون ببیند، چیست اگر در متقار

او خون دیدی از نیم ضررده و در صورتی که از آن نمودن چیست همانا این مؤکده به مقتضای

اطلاق علمه خون دلالت می کند بر نجاست همه خون ها چیست همه خون ها بنا بر این روایت

عقب هستند.

۱۳۹۸ و مترتب می شود یعنی اگر عمل نجاست بر آن همه خون ها) بر مورد عموم مذکور علم

هفته ۱۸ به نجاست بودن خون حکم مرغ به خلاف مکمل به نجاست و علم به طهارت) بنا بر عدم



مسئله ۴۵۰ = «شبهه» حکمیه = من حکم آن را نمی دانم باید برزم و حکم آن را بگویم.
 «موقوفه» = مستبعد شرطیت



یکشنبه
 ۲۳ تیر

۱۱ ذی القعدة ۱۴۴۰

14 July

معمولاً مذکور، یعنی در صورت وجود نداشتن عموم حکم بر خود عم میسر
 طهارت به خاطر امالت طهارت. در نهایت به دلیل اطلاق دلیل مرتب تناول خوردن
 خون جایز است مثل سفن خوارند فقال: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكَ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ» - یعنی همانا
 بر شما مقرر در خون و ... حرام شده است»

۲- و اما پاک بودن خون از میوانی که خون مجذبه ندارد - بخاطر امالت طهارت است بهر از

۱۱ اما نبودن این روایت معمول و لا امكن تسكبه مصححه حفص بن غياث بابیان

۱۲ که در بحث از طهارت منی منابع خون مجذبه گذاشت وجود دارد. مدلل اینکه می گویم در روایت

قبلی که منی از میوانی که خون مجذبه ندارد پاک است پس خون میوانی که خون مجذبه ندارد هم پاک است.

۳- و اما حکم به طهارت در صورت شك در مستند خون مجذبه - بخاطر امالت طهارت است.

۴- و اما حکم به طهارت چیزی که به واسطه خاراندن خارج شده در صورت شك - (در خون بودن آن) E.

و همچنین حکم به طهارت چیزی که به علت تاریکی مشکوک است به دلیل اصل طهارت می باشد.

۵- و اما عدم وجوب استعلاء - بخاطر بودن شبهه موضوعیه که اتفاق شده بر آن عدم برزم

جستجو کردن و دلالت می کند به واجب بودن استعلاء در شبهه موضوعیه از مصححه زراره

۱۶ «فَحُلَّ عَلَىٰ أَنْ شَكَّ فِي أَنَّهُ أَصَابَهُ سُرٌّ أَنْ يَنْظُرَ فِيهِ» فقال: لا وَلَئِنْ رَأَيْتُ رَأً تَرِيدُ

۱۷ أَنْ تَذْهَبَ الشُّكُّ الَّذِي دَخَلَ فِي نَفْسِكَ» - معنی - «آیا اگر در این که چیزی به لباس

اصابت کرده شك کنم باید در آن نظر کنم؟ فرمودند: نه؛ لَنْ تَرَى حَافِصَ كَ شَيْءٍ كَ دَرَجَةٍ

۱۸ خودت است. از زمین ببری و گره آن شک کردی که خون به لباس اصابت کرده لازم نیست جستجو کنی

۱۹ و اگر جستجو کردن اشغالی ندارد. و این روایت فقط در مورد یک مورد نیست و قصد نیست ندارد

2019

Week-28

برای اصابت خون به لباس.

روز گفت و گو و تعامل سازنده با جهان - ولادت حضرت امام رضا علیه السلام (۱۴۸ هـ ق)



دوشنبه

تیر

۱۲ ذی القعدة ۱۴۴۰

۲۴

15 July

شراب انگور، شراب عرما که مست کننده است و شراب جو

این سه مورد اگر در کسوف حکوم به جات است البته برض از فقها هر مایع مسکری را نجس می دانند
عمارة انگور با جوشش حرام می شود قبل از اینکه به آن جوشه و از بین برود حیث اگر به ۲
آن از بین رفت نجس و حرام نمی شود.

و اما درباره عصاره کسوف و عرما به واسطه جوشیدن حرام نمی شوند چه برسد به نجس شدن آنها.

السؤال في ذلك؟

۱- نجاست ضرر بین فقها اعتلا می است و دلیل آن مختلف بودن روایات است:

الف) روایاتی که بر پاک بودن عصاره عقیقه دارند: حیث همانا دلالت می کند بر طهارت شراب

صحیح صراط: «سألت أبا عبد الله ع، عن الرجل يشرب الخمر ثم الخمر حتم يصبه

من فيه فيصيب ثوبه» فقال: «لا بأس» معنی: «سؤال کردم در مورد مردی که خمر

می خردد و سیست آن را از دهانش بیرون می آورد و به لباس من بر خورده می کند امام فرمودند:

استطاعه ندارد»

ب) روایاتی که بر نجس بودن عصاره عقیقه دارند: دلالت می کند مؤثقه عصاره از اما

صادق ع، در مورد این موضوع در سألته عن الذن يكون فيه الخمر هل يملع أن

يكون فيه قل أو صاد كاصف أثر زمرن قال: «إذا غسِلَ فلا بأس» معنی: سؤال

کردم از اما صادق ع، در مورد ظرفی که درون آن خمر است ملاصق دارد که در آن سرکه یا آب

گرم یا زیتون قرار دارد فرمودند اگر مسسه شود استطاعه ندارد»

۱۳۹۸ ح ۲) روایاتی که در خور آن روایات به امام عارفه سه و اما آ جواب داده اند:

هفته ۱۸ که اما نجاست شراب را مستحکماً بر اخبار طهارت بداییم دلیل این بقوم صحیح





۲۵

سه شنبه

تیر

۱۳ ذی القعدة ۱۴۴۰

16 July

۱- علی بن مهزیار است. «قَرَأْتُ مِنْ لِكَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ الْحُسَيْنِ دَعَا»
 جعلت فداک روی زبارة عن ابي عبد الله راي عبد الله دَعَا، من النحر يَصِيْبُ ثَوْبُ الرَّجُلِ
 اَنْتَمَا قَالَا: «كُلُّ مَا سَ بَانَ تَغَطَّى فِيهِ اِلَّا مَا مَرَّمُ سُرْبَهَا» **معنى** ← من در نامه عبد الله
 بن محمد به امام رضا دَعَا خواندم که: من عذای شما شوم زبارة از امام باقر را امام صادق دَعَا، در مورد
 چیزی که به لباس امابت ستوده روایت کرده که فرمودند: اشغال ندارد که در آن لباس غار خوانی
 بلکه نویسنده آن مرام است.

۲- و از غیر زبارة نیز از امام صادق دَعَا، روایت شده که «اِذَا امْتَبَ ثَوْبُكَ فَرَّ اَوْ يَبِيدُ» **یعنی** ←
 فَاغْسِلْهُ اِنْ عَرَفْتَ صَوْبَهُ رَايَ كَمْ تَعْرِفُ صَوْبَهُ فَاغْسِلْهُ فَلَهُ فَاِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ
 قَائِدُ صَلَاتِكَ» **معنی** ← «اگر به لباس تو غر یا بید یا بید امابت کرد یعنی مسکه امابت کرد
 و اگر مسکه آن را می دانی فقط آن مسکه را بشور و اگر مسکه آن را نمی دانی همه آن را
 بشور و اگر با آن لباس غار خوانی باید غارت را اعاده کنی»

۳- علی بن مهزیار ← چه ای امام! تو مرا به آنچه که باید به آن عمل کنم آگاه کن چه امام
 نامه ای را نوشت و من آن را خواندم «خَذِ جَعْلَ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ» **معنی** ← «به روایت امام
 صادق دَعَا، عمل کن» **معنی** ← «در صحیح علی بن مهزیار خوانیم امام رضا دَعَا، بعزاز
 دین در طایفه از روایات که با هم بخارن دارند اخبار جاست راست است»

۳- و اما شراب مرما و حرمت کسده ای که باید با سر هم بخورن استفاده کرد از صحیح علی بن
 یحیی از امام موسی کاظم دَعَا: «اِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَسَمُ يُحَرِّمُ النَّخْلَ لِسِمَا وَلَكِنْ مَرْمَا
 لِغَاثِبِيهَا فَمَا كَانَ عَا قِبَتَهُ عَا قِبَتَهُ النَّخْرِ مَهْرُ خَمْرٍ» **معنی** ← همانا 2019
 هر دو در حدیث صحیح علی بن مهزیار است که امام نکرده است بلکه بنابر عاقبتی که دارد مرام است.
 روز بهشتی و نایب اجتماعی

Week-29



17 July

۱۴ دی القعه ۱۱۱۰
17 July
بست هر آنچه که عاقبتش عاقبت عمر باشد مرا است یعنی هر چیز که مثل شراب هست کشته
باشد مرا است (۱۰)

باسمہ مراۃ است (۱۰)

۳۔ واما شرابِ جد ← آبِ جد نازل بہ منزلہِ خمر است مثل شراب است مندر شراب است۔

مثل معاذ بن فضال: «كُنْتُ اِذَا بَرَأَ الْحَسَنُ دِيَّ اَسْأَلُهُ عَنِ الْفَقَّاعِ» فقال: «هو الخمر
رضيه حرُّ سُرَابِ الخمر» ← ← عني ← به امام رضا دى، نامدارى نوستم و در مورد سُرَابِ حورازيان

سؤال کرد: ایان فرمودند: «حقایق همان خمرات و در آن حد سبب غمزه باشد»

به تقریب این که مستقر مطلق بودن نازی به منزله حکم به مجامعت فحشاء است چون گفته

درجہ چیرا میل شراب است وکلی لفتہ بست یا مہمیم کہ درجہ چیرا میل شراب است میں درجہ خردون

۷۔ راما آت انور ﴿ حرمت آن بہ واسطہ جو سیدین اصفائیہ بہ دلیل معیہ

عبد الله بن عثمان (أما ما قاله) **لا كل عَصِيدٍ أَسَابَةُ النَّارِ** فهو حرام متى يذهب^{١٤}

لُتَاهُ وَيَقِي تَلْتَهُ « یعنی در هر عماره ای هنگامی که با آنست بر ضرورت کند چست آن مراعات

کما اینکه مورد آن و پرازان باقی ماند، و فقط اسطال در غایت آن است بخاطر این که مرص

سلازمه‌ای با عبادت نکرد و تمامی برای عبادت آن به صحیفه معاریف بنی‌مبارک نقل از

تمهيد استدلال من كودلا سألت أبا عبد الله ع عن الرجل من أهل المعرفة بالحق

يَا أَيُّهَا الْبَصِيرُ رِيْعَوْلٌ قَدْ طَبِيعَ عَلَى الثَّلَثِ وَأَنَا أَصْرَفُ أَنْتَ يُشِيرُ عَلَى الدَّفْءِ

أَفَأَسْرَبُ بِعَقْلِهِ رَهْوَ سِرْبُهُ عَلَى الْبُغْضِ؟ فَقَالَ «خُرْجْ & تَسْرِبُهُ» ← مَعْنَى ← مَوَالٍ كَرْدَمَ

از اماکن خاصه و در مورد مردی از سبیلان که برای من عصاره انور من آورد و من گفت که برای

۱۳۹۸ درست سوره است (یعنی آن فکر موسیقی که پر آن مانده است) در حالیکه من می دانم که او

هفته ۱۸

هفته ۱۸
عمارۃ النور و البرص فی من نوسه آیا با اینم ادر برص فی من عمارۃ النور
سالروز تأسیس نهاد شورای نگهبان



۲۷

پنجشنبه

تیر

۱۵ ذی القعدة ۱۴۴۰

18 July

می نوشند به واسطه قول ادهم من نیز از آن بنوشم اما کم فرمودند. آن عمرات را آن 18 July
نوش " سیاه مانا (بغیغ) بنابر آنچه که مرحوم فیهن حاشانی ذکر کرده همان عصاره پخته
سیره است و اطباء مارل به منزلت قرار دادن عصاره انگور به شراب ترکیب شده آنرا که از
جمله آن نجاست است را اقتضای کند.

همه این مطالب زمانی است که جو شیرین آب انگور به واسطه آنکه باسه راما اگر جو شیرین
خورد به ضرر و به واسطه نور فور سید و کتاب باسه در اینجا به حقیقت آب انگور معطر
شراب است. سیاه مخلوق می شود به عصاره آب انگور حکم شراب هنگامی که با خورشید
جو سیره شده باشد.

۵- و اما آب کُشْمِش به دلیل عدم وجود دلیل که نجاست آن را اثبات نماید.

در طهارت آن هیچ اشکالی نیست همانا اشغال در مرمت آن می باشد.

در مورد مرمت آب کُشْمِش فی حقان به اخبار مرمت عصاره به واسطه علیان و جرئت کُشْمِش عود
به دلیل اینکه استحکال واره (عصیر) یعنی عصاره در ضرر (عصیر زبیدی) عصاره کُشْمِش مجازی
جمعه

۲۸

تیر

۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۰

19 July

است به دلیل اینکه کُشْمِش املا آبی ندارد و مشک است حال آنکه مراد از عصیر تیر
همین است که به واسطه فشردن از سبزه خارج می شود و کُشْمِش از آن حیث که مشک
است عصاره ای ندارد زمانی که ما به عصاره کُشْمِش تقصیر می کنیم در واقع به نحو حسا معی است
مثلاً چون در غذا به کُشْمِش آب امانه شده به آن عصاره کُشْمِش گفته می شود.
برخی برای اثبات مرمت به اصل استعمال تمسک نموده اند.

2019

Week-29

- ۱- انگور مشک از خشک شدن آن عطر می آید و مرمت می گردد
 - ۲- حال آنکه انگور خشک شده و تبدیل به کُشْمِش گردیده شد ما کنیم که آیا در مرمت علیان حرام است یا نه؟
- اصل استعمال به یقین سابق تمسک کرده و حکم به مرمت می نمایم.

